

www.csr.ir

# تصویری از شکاف اشتغال بالفعل و اشتغال بالقوه در اقتصاد ایران

کوروش معدلت

## چکیده

عرضه نیروی کار در هر کشور، علل و عوامل متعددی دخیل می‌باشند، اما این نیز روشن است که تأثیر هیچیک از عوامل به اندازه دو عامل جمعیت و اقتصاد نیست. به عبارت بهتر، تغییرات جمعیت و اقتصاد دارای نقش غیر قابل انکاری در توضیح تغییرات عرضه نیروی کار در هر اقتصادی هستند.

بازار کار یکی از بازارهای واقعی در اقتصاد است. عدم تعادل‌های ایجاد شده در این بازار می‌تواند به سهولت به سایر بازارهای اقتصادی سرایت کرده و موجبات بروز اختلال‌هایی را در اقتصاد فراهم آورد. برآورد عرضه نیروی کار بالقوه می‌تواند به مثابه میزان استفاده کارآ از این عامل مهم در فرایند تولید، ارزیابی شود. به عبارت بهتر با دانستن میزان عرضه بالقوه نیروی کار و مقایسه آن با تقاضای بالقوه و نیز تقاضای بالفعل، چشم‌انداز مناسبی از وضعیت اشتغال در کشور چه در بعد عرضه و چه در بعد تقاضای نیروی کار به دست می‌آید. هدف اصلی در این مقاله برآورد عرضه بالقوه نیروی کار است. بی‌شک در شکل‌گیری و تحول

## ۱- مقدمه

برآورد عرضه نیروی کار معمولاً بر مؤلفه‌هایی همچون جمعیت، آموزش و... استوار می‌شود که نسبت به متغیرهای اقتصادی معمولی تر بوده و با ضریب اعتماد نسبتاً بالایی قابل پیش‌بینی و اندازه‌گیری هستند. در مقاله حاضر الگوی پیش‌بینی عرضه نیروی کار بر اساس روش ILO

یعنی تکیه بر نرخ‌های مشارکت اقتصادی جمعیت در گروه‌های مختلف سنی و جنسی است. به‌طوری‌که ۴ گروه سنی به تفکیک جنسیت زن و مرد در نظر گرفته شده و نیروی کار بالقوه برای هر یک از گروه‌های سنی به تفکیک به دست می‌آید. بر اساس مدل پیشنهادی عرضه نیروی کار بالقوه تابعی از متغیرهایی همچون جمعیت غیرنهادی شهری، نرخ مشارکت نیروی کار و نرخ بیکاری است. در کنار این مدل به کمک ارائه مدل‌های دیگر تجربی برآورد شده از سایر مطالعات، مقایسه‌ای مناسب میان مدل‌ها به عمل آمده و در نهایت مزایای مدل مورد نظر در این مقاله تشریح می‌شود.

## ۲- بررسی مبانی نظری مدل‌های عرضه نیروی کار و استخراج مدل نظری

مطالعه مبانی نظری مدل‌های عرضه نیروی کار و برآورد عرضه نیروی کار بالقوه طیف محدودی از مطالعات اقتصادی را به خود اختصاص داده است، اصولاً بخش واقعی اقتصاد به لحاظ این که با مقادیر واقعی سطح اشتغال و تولید برخورد می‌نماید و این مقادیر قبل از این که تابعی از رفتار تولیدکننده باشد در بازار عوامل و کالای تعیین می‌شوند و بنابراین دستخوش عوامل نوسان‌زای بازار هستند، از حساسیت‌های فوق‌العاده برخوردار می‌باشد. مطالعه در زمینه نیروی کار هم بسیار جالب و هم بسیار مشکل است.

مشکل از این نظر که آمارها و اطلاعات مربوط به این بخش به لحاظ آمارگیری‌های پنج‌ساله در کشور دارای فقدان قابل توجهی است و لاجرم مباحث استدلالی و استنتاج‌های منطقی را با تورش‌های قابل توجه همراه می‌سازد و از این حیث که هم به مطالعات اقتصادی و هم به مطالعات اجتماعی مربوط می‌شود بحث جالبی است. به عبارت دیگر قبل از این که افراد به عنوان یک نهاد تولید مورد تقاضای کارفرمایان قرار گیرند، ارزش‌های ذاتی خود را از تحولات جمعیتی و شهرنشینی دریافت

می‌آید. بر اساس مدل پیشنهادی عرضه نیروی کار بالقوه تابعی از متغیرهایی همچون جمعیت غیرنهادی شهری، نرخ مشارکت نیروی کار و نرخ بیکاری است. در کنار این مدل به کمک ارائه مدل‌های دیگر تجربی برآورد شده از سایر مطالعات، مقایسه‌ای مناسب میان مدل‌ها به عمل آمده و در نهایت مزایای مدل مورد نظر در این مقاله تشریح می‌شود.

دو فرضیه اساسی موجود در این مقاله به ترتیب عبارت‌اند از:

۱- اقتصاد ایران در بخش اشتغال دارای پتانسیل‌های به مراتب بالاتری از وضعیت موجود است.

۲- شکاف معناداری میان اشتغال بالقوه و اشتغال بالفعل وجود دارد.

برای آزمون فرضیات فوق دو هدف عمده در نظر بوده است، نخست آن که میزان بالقوه نیروی کار در سطح کل کشور به دست آید و در مرحله بعد مقایسه‌ای میان نیروی کار بالقوه و بالفعل و محاسبه شکاف میان این دو انجام شود.

مقاله حاضر مشتمل بر سه بخش مجزا است، در بخش اول مبانی نظری برخی از مدل‌های موجود در برآورد عرضه نیروی کار بالقوه ارائه می‌شود و در بخش دوم مدل تجربی

می‌کنند.

بر این اساس شاخص‌های مربوط به رشد جمعیت، درصد شهرنشینی، درصد مشارکت نیروی کار به تفکیک جنس، تحولات در هرم سنی، میزان تحصیلات و درصد نیروی کار فعال عواملی هستند که به طور بالقوه باعث تغییر در کمیت و کیفیت نیروی کار می‌شوند. نیروهای فعال به ویژه نیروهای ماهر پس از ورود به بازار نسبت به دستمزد واقعی و تصویری که از آینده متصور می‌شود حساسیت نشان داده و آن سطحی از دستمزد واقعی را انتخاب می‌کنند که با سطح تولید کل و نیز حداکثر مطلوبیتی که از جانشینی کار - فراغت حاصل می‌آید لازم باشد. بر این اساس نیروی کار از طریق کارفرمایان و تناسب بهره‌وری متوسط با دستمزد اسمی پیشنهاد شده با طیف وسیعی از سیاست‌های اقتصادی طرف عرضه و تقاضا مرتبط می‌گردند.

دیگر است. تمام روش‌های انجام یافته در این زمینه از تابع تولید ساده شروع می‌شود. برآورد شکاف اشتغال از سطح بالقوه آن منوط به برآورد عرضه نیروی کار بالقوه و تقاضای نیروی کار بالقوه است. شکاف عرضه نیروی کار مبین مازاد یا کسری نیروی کار شاغل در تولید و نیروی کار آماده برای کار می‌باشد. نیروی آماده برای کار نیز شامل آن بخش از نیروی کار فعال است که کار را بر فراغت ترجیح داده، لیکن به دلیل برخی ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و از همه مهم‌تر اقتصادی نمی‌تواند در تولید مشارکت نماید. این شکاف در واقع شکاف میان عرضه نیروی کار مؤثر می‌باشد؛ در حالی که شکاف نیروی کار بالقوه شامل کلیه افراد موجود در بخش نیروی کار فعال است. بر این اساس برآورد نیروی کار بالقوه از اهمیت خاصی در بررسی شکاف تولید برخوردار خواهد بود.

اما مهم‌ترین بخش از مطالعات تجربی در زمینه اشتغال و تولید مربوط به سیکل‌های اقتصادی و برآورد شکاف تولید و اشتغال از سطح بالقوه آن می‌باشد. این بخش طیف گسترده‌ای از مطالعات را به خود اختصاص داده است و متدولوژی خاص در این زمینه استفاده از مدل‌های بردار خود رگسیون (VAR) جهت تشریح نوسانات طرف عرضه و تقاضای تولید و اشتغال می‌باشد. اساس این روش مبتنی بر فرض وجود رابطه باثبات میان تولید و اشتغال از یکسو و مقادیر آنها با متغیرهای سیاستی و جمعیتی و عوامل برونزا از سوی

در مطالعات عرضه نیروی کار از روش‌های مختلفی برای بررسی موضوع استفاده می‌شود. در روش اول ساعات کار عرضه شده افراد به بازار، معیار اندازه‌گیری عرضه نیروی کار است. در این روش تعداد افراد به طور مستقیم مطرح نیست، بلکه میزان ساعاتی که یک فرد در بازار مشغول به کار می‌باشد اهمیت دارد. اگر چه این روش برای اندازه‌گیری عرضه نیروی کار بسیار دقیق است ولی کمبود اطلاعات آماری در این زمینه، مانع استفاده از این روش در اغلب کشورها می‌باشد. در روش دوم تعداد افراد معیار اندازه‌گیری عرضه نیروی کار است.

در مطالعات تجربی این روش از دو زاویه مختلف یعنی جمعیت فعال (شاغل و بیکار) و نرخ مشارکت نیروی کار (نسبت جمعیت فعال به جمعیت ده ساله و بیشتر) قابل بررسی است.

## ۲-۱- مبانی عرضه نیروی کار

رشد سریع جمعیت طی سال‌های اخیر موجبات رشد نیروی کار را در جامعه فراهم آورده است که سبب عدم تعادل میان عرضه و تقاضای نیروی کار شده است. این شکاف مشکلاتی را برای جامعه از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد. جهت ادامه برنامه بلندمدت در این زمینه و جذب به موقع نیروی کار موجود در جامعه و جلوگیری از بیکاری که یکی از معضلات مهم اقتصادی محسوب می‌شود نیازمند تصویر روشنی از بازار کار، نیروی کار موجود در جامعه و میزان اشتغال هستیم تا بتوان رابطه معقولی بین عرضه و تقاضای نیروی کار برقرار نموده و زمینه را برای اخذ تصمیم و اتخاذ سیاست‌های مناسب فراهم کرد.

## ۲-۲- ارائه مدل نظری عرضه نیروی کار

تصریح مدل‌های جامع برای متغیرهای جمعیتی به طور کلی نسبت به روابط اقتصادی میان متغیرهای تعریف شده در اقتصاد، مشکل‌تر خواهد بود. علاوه بر آن برقراری رابطه میان متغیرهای اقتصادی و متغیرهای جمعیتی بر پیچیدگی موضوع خواهد افزود.

به طور کلی عرضه نیروی کار همانند

عرضه سایر کالاها بر اساس ارزشی که در بازار کسب می‌کند تعیین می‌شود. از لحاظ فردی عرضه نیروی کار از یک سو به عوامل درآمدی و از سوی دیگر به عوامل قیمتی بستگی دارد. انتخاب میان کار و فراغت نیز بر اساس این عوامل تعیین می‌شود. افزایش قیمت (و یا سطح عمومی قیمت‌ها) به طور کلی تقاضا برای نیروی کار را افزایش می‌دهد که متعاقباً دستمزد اسمی نیروی کار عرضه شده را افزایش خواهد داد و افزایش دستمزد در مجموع منجر به افزایش ساعات کار هر واحد نیروی انسانی (ULS) می‌شود، لیکن برای جذب نیروی کار مازاد در بازار کفایت نمی‌کند. جذب نیروی کار مازاد علاوه بر عوامل مؤثر در کاهش فراغت (یا افزایش کار) نیازمند ایجاد ظرفیت‌های جدید و فرصت‌های شغلی جدید است. افزایش قیمت گرچه دستمزد اسمی را افزایش خواهد داد (بسته به کشش‌پذیری عرضه نیروی کار)، اما انتظارات تورمی را نیز که منجر به کاهش نیروی کار (انتقال منحنی عرضه) می‌شود، شکل می‌دهد. بر این اساس متغیر دستمزد واقعی، حاصل برآیند انتقالات طرف عرضه و تقاضای کار بوده و شاخصی برای عرضه نیروی کار خواهد بود. این عوامل که در تحرکات نیروی کار مؤثر است، اثرات کوتاه مدتی بر اساس ترجیحات زمانی کار و فراغت و بر اساس تابع مطلوبیت افراد بر عرضه نیروی کار دارند. اما در بلندمدت قیود ناشی از عدم امکان تعدیل بر اثر تغییرات نرخ دستمزد در کوتاه مدت وجود نخواهد داشت. بنابراین، در بلندمدت عوامل



می‌باشد. این روش گرچه ساده و به راحتی قابل محاسبه است، اما اثرات برخی متغیرهای مهم را نادیده می‌گیرد و آنها را در قالب روند زمانی لحاظ می‌کند. از سوی دیگر استفاده از متغیرهای روند برای متغیرهای جمعیتی که با وقفه‌های نسبتاً طولانی بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند زیاد مناسب نیست و مشکلات ناهمسانی واریانس را ایجاد خواهد کرد. بر این اساس استفاده از روش محاسباتی نیروی کار بالقوه<sup>۲</sup> اساس کار مطالعاتی را در این مقاله تشکیل می‌دهد. عرضه بالقوه نیروی کار بر اساس روش زیر محاسبه می‌شود.

$$L_{it}^p = P_{it} \cdot \hat{L}_{it} \cdot (1 - \hat{U}_{it} / 100)$$

که در آن  $L^p$  نیروی کار بالقوه،  $P_{it}$  جمعیت کل در هر گروه سنی،  $\hat{L}_{it}$  نرخ مشارکت نیروی کار در گروه سنی  $i$  و  $\hat{U}_{it}$  نسبت به نوسانات فصلی تعدیل می‌شوند. اما از آنجا که آمارهای فصلی موجود نیستند (برای متغیرهای جمعیت) لذا،  $\hat{L}_{it}$  و  $\hat{U}_{it}$  از روش برآورد مدل مربوط به آنها و با شاخص قراردادن نرخ بیکاری در گروه سنی ۶۴-۲۵ سال به عنوان عامل تعدیل استخراج می‌شود. بدین مفهوم که حداقل نمودن بیکاری گروه سنی ۶۴-۲۵ عامل بالقوه در حداکثر استفاده از نیروی کار در

مهم دیگری (که عموماً در ظرفیت نیروی کار و اقتصاد مؤثرند) شامل نرخ مشارکت نیروی کار، جمعیت فعال، سن و جنس نیروی کار در عرضه نیروی کار تأثیر دارند.

بر این اساس همان طور که قبلاً نیز بیان شد، دو روش برای برآورد عرضه نیروی کار بالقوه وجود دارد که ترجیحاً روش دوم مبتنی بر متغیرهای جمعیتی و تلفیق آن با متغیرهای اقتصادی انتخاب شده است. مدل حاضر که در تحلیل‌های جمعیتی از فراوان به کار می‌رود، در استخراج تولید بالقوه و نیز در تحلیل‌های حسابداری رشد بالقوه کاربرد ویژه دارد.

ساده‌ترین روش برای استخراج نیروی کار بالقوه استفاده از روش تابع روند زمانی معین<sup>۱</sup> با درجات مختلف است. مدل سری زمانی برای نیروی کار به شکل زیر می‌تواند تصریح شود:

$$L_{it} = f(t) + U_{it} + \varepsilon_t$$

که در آن  $L_{it}$  نیروی کار (به شکل لگاریتمی) در گروه سنی  $i$ ، تابع روند معین،  $f(t)$  نرخ بیکاری در گروه سنی  $i$  و  $\varepsilon_t$  شوک تصادفی است.

بر اساس مدل فوق نیروی کار بالقوه بر اساس انتخاب نرخ بیکاری طبیعی و یا نرخ بیکاری در سطح اشتغال کامل ( $U_{it}$ ) پس از برآورد مدل محاسبه می‌شود، به عبارت دیگر:

$$L^p = \hat{f}(t) + U_{it}$$

که در آن  $L^p$  عرضه نیروی کار بالقوه

1. deterministic trend function

2. computing potential labor

جامعه می باشد.<sup>۳</sup>

مشارکت تعدیل شده مورد استفاده قرار می گیرد:

$$X_{it} = a_i + b_i U_t^m + c_i U_{t-1}^m + d_i Z_t$$

که در آن  $U_t^m$  نرخ بیکاری شاخص در گروه سنی منتخب بین ۶۴-۲۵ سال است. پس از برآورد مدل فوق با صفر قراردادن  $U_{t-1}^m$  مقدار بالقوه برای  $\hat{X}_{it}$  حاصل می شود. به عبارت دیگر آن میزان از نرخ مشارکت مورد نظر است که در سطح اشتغال کامل<sup>۴</sup> نرخ بیکاری گروه سنی بین ۶۴-۲۵ سال صفر باشد. قطعاً در بیکاری طبیعی سطح مورد نظر مربوط به گروه سنی ۲۴-۱۰ سال است. این فرض به لحاظ امکان فرصت های آموزشی برای آن گروه از نیروی کار فعال می باشد که در سطوح آموزش متوسطه، دیپلم یا عالی (در سطح لیسانس) قرار دارند. بنابراین شاخص نرخ مشارکت تعدیل شده نیروی کار به ترتیب ذیل استخراج می شود:

$$\hat{X}_{it} = a_i + d_i Z_t$$

حال برای استخراج نرخ مشارکت نیروی

۳. این نرخ در اقتصادهای مختلف، مقادیر مختلفی می گیرد. اما در حد، می توان این نرخ را برای تمام اقتصادها صفر در نظر گرفت گرچه انتخاب به ظرفیت اقتصاد مربوط می شود. صفر گرفتن این نرخ می تواند در برنامه ریزی های تولید مؤثر باشد.

۴. در این جا مفهوم اشتغال کامل آن سطحی از اشتغال است که تمامی افراد جویای کار جذب واحدهای اقتصادی شوند. به عبارت دیگر فرض این است که اقتصاد ظرفیت جذب تمامی نیروهای جویای کار را دارد.

### ۲-۳- استخراج مدل مشارکت نیروی کار

جهت برآورد نرخ مشارکت نیروی کار تعدیل شده ( $\hat{X}_{it}$ ) ابتدا می بایست مدل مناسبی برای برآورد نرخ مشارکت نیروی کار استخراج نمود. از آنجا که نرخ مشارکت کوچک تر از یک است، لذا مناسب ترین مدل، استفاده از مدل های لاجیت می باشد. این امر به لحاظ آن است که نرخ مشارکت به عنوان یک متغیر وابسته مورد استفاده قرار می گیرد. برای این منظور تغییر زیر صورت می گیرد:

$$X_{it} = \text{Log} \left( \frac{\text{PAR}_{it}}{1 - \text{PAR}_{it}} \right)$$

که در آن  $\text{PAR}_{it}$  نرخ مشارکت نیروی کار در گروه سنی  $i$  می باشد. الگوی لجستیک، یک تابع توزیع تجمعی از یک متغیر تصادفی را تقریب می زند که میان اعدادی پیش بینی شده بین حد بالا و پایین نرخ مشارکت محدود می شوند. همان طور که پیش از این بیان شد، عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت نیروی کار عبارت اند از:

درآمد سرانه، دستمزد واقعی، نرخ رشد جمعیت، سطح آموزش، اندازه خانوار، سطح شهرنشینی و امید به زندگی؛ اما الگوی مشارکت نیروی کار در تمامی گروه های سنی یکسان نخواهد بود و بسته به رفتارهای هر گروه تعدادی از این متغیرها بسته به مورد (ad hoc) وارد مدل می گردند. بر اساس متدولوژی ارائه شده، اگر  $Z$  بردار متغیرهای اقتصادی و جمعیت باشد آنگاه مدل زیر جهت استخراج نرخ

که مطابق محاسبات به عمل آمده همان  $h_{it}$  است و  $\hat{U}_{it}^P$  نیز نرخ رشد بیکاری بالقوه در هر گروه سنی (همان  $\hat{U}_{it}$ ) و بنابراین  $(1 - \hat{U}_{it}^P)$  نرخ رشد سهم نیروی کار شاغل متناسب با سطح بالقوه (تقریباً منهای تغییر در نرخ بیکاری در سطح بالقوه) است.  $h_{it}^P$  نیز نرخ رشد ساعات کار در سطح بالقوه می‌باشد که بنا به فرض می‌توان آن را در تحلیل‌ها نادیده گرفت.

در بلندمدت رشد نیروی کار برابر نرخ رشد جمعیت سنین کار<sup>۵</sup> است. زیرا نه نرخ مشارکت و نه نرخ بیکاری کل نمی‌تواند به طور دائمی رشد کند (این تحلیل برای ساعات کار نیز صادق است). با وجود این، سطوح این متغیرها مشروط بر این که در طول زمان و در یک دوره بلند مدت تحقق یابند و بنابراین بتوانند بیان‌کننده تفاوت معنی‌دار و پایدار بین نرخ رشد جمعیت سنین کاری و نیروی کار باشند، می‌توانند گسترش و رشد یابند.

بررسی مشارکت اجزای مختلف رشد نیروی کار بالقوه از مراحل حساس مطالعات می‌باشد.

### ۳- برآورد مدل تجربی و استخراج عرضه بالقوه نیروی کار در ایران

شناخت سطح بالقوه عرضه نیروی کار از اقدامات اساسی در آشنایی با سطح هدف‌گذاری شده و تزریق نیروی کار به بازار است. برای این منظور در این بخش سعی می‌شود تا با آمارهای موجود و به کمک شبیه‌سازی، تصویری از

کار تعدیل شده به قرار ذیل عمل خواهد شد.

$$\hat{l}_{it} = \exp(\hat{X}_{it}) / [1 + \exp(\hat{X}_{it})]$$

در مرحله بعد با استفاده از یک شاخص متحرک اشتغال بالای بیکاری برای هر گروه نرخ بیکاری تعدیل شده استخراج می‌گردد. این امر به لحاظ آن است که فرض می‌شود علت اولیه برای جایگزینی نرخ بیکاری دریک گروه شاخص با گروه‌های دیگر، تغییرات در ایفای سهم نسبی آن گروه در بازار نیروی کار است. برای این منظور شاخص زیر برای گروه‌های سنی محاسبه می‌شود:

$$\hat{l}_{it} = \hat{l}_{it} P_{it} / [\sum \hat{l}_{it} P_{it}]$$

آنگاه ضرایب برای چهار گروه سنی در معادله زیر برآورد می‌شود.

$$U_{it} = e_i + f_i U_t^m + g_i \hat{l}_{it}$$

حال برای استخراج نرخ بیکاری تعدیل شده، نرخ بیکاری در گروه سنی ۶۴-۲۵ سال را بنا به فرض برابر صفر قرار داده و  $\hat{U}_{it}$  استخراج می‌گردد.

رشد نهاده نیروی کار بر اساس تعریف فوق متناسب با تولید بالقوه بوده و عبارت است از:

$$\hat{l}_{it}^p = \text{Pop}_{it}^p + \text{Par}_{it}^p + (1 - U_{it}^p) + h_{it}^p$$

که در آن  $\text{Pop}_{it}^p$  نرخ رشد جمعیت در گروه‌های سنی ۱۹-۱۰، ۲۹-۲۰، ۵۳-۳۰، ۶۴-۵۴ می‌باشد و  $\text{Par}_{it}^p$  نرخ رشد مشارکت نیروی کار

وضعیت کلان موجود ارائه شود. قطعاً با شناخت وضعیت موجود و هدف گذاری تصویر آینده، می توان یک برنامه جامع ترسیم کرد. در این راستا سعی شده، با فروزی جهت آسان نمودن متدولوژی عنوان شده عرضه بالقوه نیروی کار استخراج شود و در نهایت توصیه های سیاستی حاصل از آنها به دست آید. بر اساس مطالعات انجام شده به طور کلی برآورد نیروی انسانی به دو روش کلی با توجه به امکانات و منابع در دسترس انجام می شود. اولین روش استفاده از مدل تصادفی جریان های نیروی انسانی و روش دوم برآورد نیروی انسانی فعال از نظر اقتصادی است. در مورد روش اول باید توجه نمود که مدل تصادفی<sup>۶</sup> جریان های نیروی انسانی که در کشور انگلستان نیز برای تخمین تابه عرضه نیروی انسانی در بخش صنعت به کار رفته و جهت پیش بینی برای سال های بعد نیز استفاده شده است، به دلیل کمبود آمار و محدودیت های اطلاعاتی در اغلب موارد قابل استفاده نیست و لذا معمولاً روش دوم که تخمین نیروی انسانی فعال<sup>۷</sup> از نظر اقتصادی است، به کار می رود.

### ۱-۳- متدولوژی برآورد مدل

روش برآورد عرضه نیروی کار بالقوه بر این اصل حاکم می باشد که ساختار فرهنگی و رفتار اقتصادی در ادوار مختلف در برخورد با نیروی کار ثابت است. به عبارت دیگر ارتباط میان مشارکت نیروی کار با سطح نیروی کار فعال در هر دوره ای ثابت بوده و می توان آن را به

سال های میانی آنها تعمیم داد. این فرضیه با توجه به این که زمینه فرهنگی جامعه طی دوره سه دهه مورد مطالعه از «بعد برخورد با نیروی کار» تقریباً ثابت بوده، فرضی دور از ذهن نیست. گرچه سؤال مطرح این است که سطح آموزش و سطح سواد جامعه نسبت به سال گذشته می تواند متفاوت باشد (که همین طور نیز هست)، لیکن آموزش تنها یکی از عوامل مهم در عرضه نیروی کار است. در بسیاری از مواقع مسائل و مشکلات اقتصادی سایه سنگین خود را بر مسائل فرهنگی بر جای نهاده و با این که سطح فرهنگی جامعه طی ادوار مختلف بهبود یافته، لیکن کماکان مسائل مربوط به مشکلات نیروی کار و وضعیت اقتصادی خانوارها همچنان به قوت خود باقی است و با بحران های اقتصادی، شدت نیز می گیرد. در چنین مواقعی سطح آموزش اثرات خود را به شکل شکاف میان مشارکت نیروی کار و سطح بالقوه آن نمایان می سازد که صرفاً به لحاظ نقش آموزش در طی ادوار مختلف این شکاف می تواند محفوظ بماند.

بر این اساس آمارهای مربوط به جمعیت افراد بین سنین ۶۴-۱۰ سال به تفکیک گروه های سنی و هر ۵ سال یکبار از آمارهای سرشماری نفوس و مسکن مأخوذه از مرکز آمار طی دوره زمانی ۷۵-۱۳۵۰ مورد شبیه سازی قرار گرفت. همین روش نیز برای جمعیت فعال در این گروه ها استفاده شد و نهایتاً نرخ مشارکت بر

6. stochastic

۷. نیروی انسانی فعال = کل شاغلان + بیکاران در جست و جوی کار



اساس تعریف نسبت جمعیت فعال به جمعیت کل در گروه‌های سنی به دست می‌آید. به منظور ساده‌سازی، افراد به گروه‌های سنی نوجوان، جوان، میانسال و سنین بالا تقسیم می‌شوند. برای این منظور چهارگروه سنی ۱۹-۱۰، ۲۹-۲۰، ۵۳-۳۰ و ۶۴-۵۴ سال برای تحلیل‌های لازم، استفاده می‌شوند. بنابراین در هر گروه سنی نرخ‌های مشارکت واقعی افراد محاسبه و این متغیرها پایه تحلیل‌های بعدی را به خود اختصاص می‌دهد. تصریح دیگر مطابق تحلیل‌های بعدی، استخراج نرخ بیکاری (یا جمعیت بیکار) در گروه‌های سنی فوق‌الذکر است. بر اساس مطالعات انجام شده، نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال رابطه مستقیمی با نسبت جمعیت فعال به جمعیت کل در هر گروه سنی دارد. برای این منظور ارتباط فوق براساس آمار سرشماری برقرار می‌شود و سپس با فرض وجود رفتار با ثبات طی سال‌های بین دو سرشماری، سری زمانی مطابق روش زیر به دست می‌آید.

### ۲-۳- بررسی روند تغییرات عرضه نیروی کار در ایران

جدول، آمار و نمودار می‌توانند به درک بهتر تحلیل‌های تکنیکی بعدی کمک فراوانی کنند. براساس نتایج سرشماری‌های انجام شده توسط مرکز آمار ایران، جمعیت ایران طی سال‌ها و ادوار مختلف نرخ‌های رشد متنوعی داشته است. مطابق جدول زیر (جدول شماره ۱) جمعیت کل بین سنین ۱۰-۶۴ که از آن به عنوان جمعیت فعال بالقوه نام می‌بریم، تا سال ۱۳۶۵ طی سه دهه به رشد ۴/۴ درصدی می‌رسد.

گرچه این متغیر (جمعیت فعال بالقوه) در دو دهه اخیر روندی نزولی داشته، لیکن همچنان با نرخ رشد ۳/۳ درصدی به طور فعال در جامعه روبه رشد است. در حالی که نرخ رشد جمعیت فعال بالفعل همواره از نرخ رشد جمعیت بالقوه فعال کمتر بوده و این عامل با فرض وجود نرخ رشد جمعیت کل ثابت، در دهه آینده یعنی سال ۱۳۸۵ به معنی حجم بسیار بالایی از جمعیت فعال بالفعل خواهد بود. در این حال و با فرض نبود فرصت‌های شغلی و عدم ایجاد فرصت‌های جدید، نرخ بیکاری به شدت افزایش خواهد

۸. البته برخی مطالعات گروه سنی ۲۵-۶۴ سال را ملاک تعدیل قرار داده‌اند و آن سطحی از اشتغال را بالقوه تلقی می‌کنند که نرخ بیکاری در این گروه سنی ۲/۵ درصد باشد.

$$PU_{it} = PA_{it} (a + \beta PAR_{it})$$

که در آن  $PU_{it}$  جمعیت بیکار در گروه سنی  $i$ ،  $PA_{it}$  جمعیت فعال در گروه سنی  $i$ ،  $PAR_{it}$  نرخ مشارکت واقعی در گروه سنی  $i$  طی زمان  $t$  است. در نهایت نرخ بیکاری در گروه‌های سنی مختلف مطابق تعریف با نسبت  $PU_{it} / PA_{it}$  استخراج می‌شود. ضمناً با توجه به بالا بودن سن کاری در ایران نرخ بیکاری شاخصی جهت تعدیل نرخ مشارکت و رسیدن به سطح

جدول ۱- تحولات جمعیت و اشتغال در دهه‌های اخیر

۷۵	۷۰	۶۵	۵۵	۴۵	
۳/۳	۳/۴	۴/۴	۳/۶	-	نرخ رشد جمعیت (۱۰-۶۴)
۱/۶۹	۲/۸	۲/۷	۲/۲	-	نرخ رشد جمعیت فعال
۳۵/۳	۳/۷۱	۳۹	۴۲/۶	۶۴/۱	نرخ مشارکت واقعی
۹/۱	۱/۷۱	۱۴/۲	۱۰/۱	۹/۲	نرخ بیکاری
۸۷/۳	۸۷/۹	۸۹/۸	۸۵/۲	۸۶/۸	سهم مردان از جمعیت فعال
۱۲/۷	۱/۷۱	۱۰/۲	۱۴/۸	۱۳/۲۰	سهم زنان از جمعیت فعال
۶۰/۸	۶۵/۵	۶۸/۴	۷۰/۸	۷۷/۴	نرخ مشارکت مردان
۹/۱	۸/۷	۸/۲	۱۲/۹	۱۲/۵	نرخ مشارکت زنان

## ۳-۴- ارائه نتایج تجربی

همان‌طور که گفته شد مرحله اول از بررسی و

یافت. روند نرخ‌های رشد جمعیت فعال بالقوه

و بالفعل باعث کاهش نرخ مشارکت واقعی

شده، به نحوی که از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ نرخ

مشارکت واقعی از ۴۶/۱ درصد به ۳۵/۳ درصد

کاهش یافته است. از این میان نرخ مشارکت

واقعی مردان از ۷۷/۴ درصد به ۶۰/۸ درصد

کاهش یافته است؛ در حالی که نرخ مشارکت

زنان که در سال ۱۳۶۵ به لحاظ تغییرات

ساختاری در مسائل فرهنگی و عقیدتی به ۸/۲

درصد کاهش یافته بود تا سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به

۹/۱ درصد افزایش می‌یابد. همان‌طور که

ملاحظه می‌شود مشکل اصلی عرضه نیروی کار

در کاهش نرخ مشارکت مردان می‌باشد در حالی

که نرخ مشارکت زنان رو به بهبود است.

$$L_{it} = f(t) + \gamma U_{it} + \varepsilon_t \quad (1)$$

$$L^p = \hat{f}(t) + U_{ft} \quad (2)$$

$$L^p_{it} = P_{it} \hat{L}_{it} (1 - \hat{U}_{it} / 100) \quad (3)$$

$$X_{it} = \text{Log} \left( \frac{\text{PAR}_{it}}{1 - \text{PAR}_{it}} \right) \quad (4)$$

$$X_{it} = a_1 + b_1 U^m_{it} + c_1 U^m_{t-1} + d_1 Z_t \quad (5)$$

$$\hat{X}_{it} = \hat{a}_1 + \hat{d}_1 Z_t \quad (6)$$

$$\hat{L}_{it} = \exp(X_{it}) [1 + \exp(X_{it})] \quad (7)$$

$$\hat{L}_{it} = \hat{\gamma}_{it} P_{it} (\sum \hat{L}_{it} P_{it}) \quad (8)$$

$$U_{it} = c_1 + f_1 U^m_{it} + g_1 \hat{L}_{it} \quad (9)$$

$$L^p_{it} = \text{POP}_{it} + \text{Par}_{it} + (1 - U^p_{it}) + h^p_{it} \quad (10)$$

## ۳-۳- استخراج مدل تجربی

بر اساس مدل نظری مطرح شده، معادلات

مورد استفاده جهت برآورد به ترتیب ذیل ارائه

می‌گردد:

۹. معرفی متغیرها در بخش نظری آورده شده است.

تحلیل‌های تجربی استخراج سری‌های زمانی متغیرهای اساسی بین سال‌های سرشماری می‌باشد. پس از استخراج سری‌های زمانی، مراحل فوق‌الذکر به ترتیب جهت استخراج نیروی کار بالقوه انجام شد. جدول شماره ۲ برآورد مدل استخراج مشارکت نیروی کار بالقوه را نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌گردد رفتار گروه‌های سنی نسبت به متغیرهای جمعیتی و اقتصادی متفاوت است. اولاً برخلاف انتظار متغیرهای مهمی چون تولید ناخالص داخلی (یا درآمد سرانه)، درصد شهرنشینی و غیره متغیرهای مربوطه برای توضیح رفتار نرخ‌های

مشارکت گروه‌های سنی نبوده است. و در ثانی نتایج حاکی از آن است که در حرکت از گروه سنی نوجوانی به جوانی، میانسالی و بزرگسالی (کهنسالی) ترکیب متغیرهای توضیحی در رفتار مشارکت گروه‌های سنی در اقتصاد متفاوت می‌باشد. در گروه سنی نوجوانی بین سنین ۱۹-۱۰ سال متغیرهایی شامل بُعد یا اندازه خانوار (Log Size)، جمعیت کل کشور (Log Pop) و دستمزد واقعی (Log WTP) در توضیح تغییرات نرخ مشارکت آنها مؤثر بوده است. به عبارت دیگر افزایش اندازه خانواده و یا همان افزایش جمعیت سنین پایین در خانواده‌ها عاملی

جدول ۲- برآورد مدل استخراج مشارکت نیروی کار بالقوه ( $Z = X_{it} = \text{Log}(\text{Par}_{it} / [1 - \text{Par}_{it}])$ )

i متغیرهای وابسته	گروه سنی ۱۰-۱۹		گروه سنی ۲۰-۳۴		گروه سنی ۳۵-۵۴		گروه سنی ۵۵-۶۴	
	ضرایب	At	ضرایب	At	ضرایب	At	ضرایب	At
جزء ثابت	۳۶/۵	۷/۲	۳/۵	۳/۳	۶/۸	۲/۸	-۰/۰۸	-۰/۴
Log: Size	-۴/۴	-۳/۷	-	-	-۱/۶	-۳/۲	-	-
Log: Scht	-	-	۰/۰۹	۲/۸	-	-	-	-
Log: POPt	-۲/۷	-۱۰/۳	-۰/۴	-۳/۳	-۰/۳۵	-۲/۶	-	-
Log: WTPt	۰/۰۷	۲/۳	-۰/۰۲	-۲/۲	-۰/۰۳	۳/۱	-۰/۰۷	-۳/۶
UN ۲۵-۶۴	-۰/۴۱	-۷/۳	-۰/۰۴	-۲/۱	-۰/۲۶	-۷	۰/۱۵	۰/۰۸
UN <sub>t-1</sub> ۲۵-۶۴	۰/۱۰	۲/۵	۰/۰۳	۱/۷	۰/۱۸	۱۰/۲	-۰/۱۴	-۵/۵
Z <sub>t-1</sub>	-	-	۰/۶۱	۵/۰	۰/۹۴	۹/۸	۰/۹۲	۱/۴
R <sup>2</sup>	۰/۹۹۷		۰/۹۹۸		۰/۹۹۶		۰/۹۹۶	
R <sup>2</sup>	۰/۹۹۶		۰/۹۹۷		۰/۹۹۵		۰/۹۹۵	
D.W	۲/۰۶		۱/۴		۲/۰۳		۲/۳	
MR(P)	-		-		-		-	
MA(q)	MA(۲)=-۰/۴ (-۱/۷)		MA(۱)=-۰/۹۹ (-۲/۱)		-		MA(۱)=۰/۶۸ (۳/۶۱)	

مشارکت نیروی کار مؤثر نبوده و صرفاً نیروی کار در این گروه به لحاظ نیاز به فراغت بیشتر بعد اقتصادی مشارکت را مد نظر قرار می‌دهد، به نحوی که با افزایش درآمد واقعی به فراغت خود خواهد افزود. نرخ بیکاری در گروه شاخص ۶۴-۲۵ سال همواره برای تمامی گروه‌ها عامل منفی در دوره جاری برای مشارکت نیروی کار می‌باشد. (به‌جز برای گروه سنی ۶۴-۵۴ سال)، در حالی که برای تمامی گروه‌ها عامل تحریک کننده نرخ مشارکت می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه بیکاری در گروه سنی با مشارکت بالا (۶۴-۲۵ سال) افزایش یابد، نرخ مشارکت در تمامی گروه‌ها کاهش خواهد یافت. اما همین متغیر با یک وقفه اثر مثبت بر نرخ مشارکت دارد، چرا که پس از یک سال بخش اعظم نیروهای جویای کار می‌توانند شغلی جدید کسب کنند.

اما هدف از برآورد مدل‌های فوق به دست آوردن نرخ مشارکت واقعی بالقوه با صفر قراردادن نرخ بیکاری در گروه سنی ۶۴-۲۵ سال است. جدول شماره ۳ نرخ مشارکت بالقوه و بالفعل را طی دوره‌های مختلف و در گروه‌های سنی چهارگانه مقایسه می‌کند.

چنانچه ملاحظه می‌شود بالاترین نرخ مشارکت طی ادوار مختلف به گروه سنی ۳۴-۲۰ و کمترین آن به گروه سنی ۱۹-۱۰ سال اختصاص دارد. مقایسه روند حاصل شده در نرخ مشارکت بالفعل و برآورد نرخ مشارکت بالقوه نکات مهمی را نمایان می‌سازد.

چنانچه روند مشارکت بالفعل نشان می‌دهد

در جهت کاهش نرخ مشارکت بوده که منطقی می‌باشد. گروه سنی ۱۹-۱۰ سال عمدتاً جمعیت در حال تحصیل هستند که با افزایش جمعیت از نرخ مشارکت آنها کاسته خواهد شد، اما برای بخشی از جمعیت این گروه افزایش دستمزد و کسب درآمد انگیزه‌ای برای ترک تحصیل و مشارکت بیشتر آنهاست. در حالی که در گروه سنی ۳۴-۲۰ سال که از ویژگی‌های آن ورود افراد به سنین ازدواج و جستجو برای کار می‌باشد، عواملی چون سطح سواد زنان (Lsch)، جمعیت کل (Lpop) و دستمزد واقعی در میزان مشارکت آنها دخیل است، به نحوی که حساسیت آنها در مشارکت بیشتر، نسبت به سطح سواد زنان مثبت و نسبت به افزایش جمعیت و دستمزد واقعی منفی می‌باشد. همچنین در حرکت به گروه سنی بالاتر (۵۴-۳۵) این متغیرها جایگزین می‌شوند. به عبارت دیگر اگر در گروه سنی جوانی ۳۴-۲۰ سال سطح سواد خانم‌ها منجر به افزایش مشارکت نیروی کار می‌شد در گروه سنی ۵۴-۳۵، بعدخانوار عامل کاهنده برای مشارکت این گروه سنی می‌شد. از طرفی افزایش دستمزد واقعی عامل تحریک کننده نرخ مشارکت نیروی کار در گروه سنی ۵۴-۳۵ سال می‌باشد، در حالی که این عامل برای گروه سنی جوان عامل تحدید کننده است. علت این امر نیز می‌تواند اشتیاق بیشتر جوانان به تفریحات و سرگرمی‌های متنوع باشد به نوعی که با افزایش درآمد، فراغت را جایگزین کار می‌کنند. اما در گروه سنی ۶۴-۵۵ سال هیچ یک از عوامل جمعیتی در توضیح

## جدول ۳- نرخ مشارکت بالقوه و بالفعل

سال	گروه سنی	نرخ مشارکت بالفعل	نرخ مشارکت بالقوه
۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰	۱۰-۱۹	۲۶/۸	۶۱/۵
	۲۰-۳۴	۵۶/۴۵	۵۷/۹
	۳۵-۵۴	۴۶/۰	۷۳/۲
	۵۵-۶۴	۵۰/۱	۴۷/۲
۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵	۱۰-۱۹	۲۰/۳	۶۱/۶
	۲۰-۳۴	۵۳/۴۵	۵۷/۲
	۳۵-۵۴	۴۹/۳	۹۷/۵
	۵۵-۶۴	۴۲/۵	۳۸/۱
۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰	۱۰-۱۹	۱۶/۸	۴۹/۱
	۲۰-۳۴	۵۱/۷	۵۴/۸
	۳۵-۵۴	۵۱/۷	۹۹/۴
	۵۵-۶۴	۳۹/۴	۳۵/۵
۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵	۱۰-۱۹	۱۳/۵	۴۶/۹
	۲۰-۳۴	۵۰	۵۳/۵
	۳۵-۵۴	۴۷/۰	۹۹/۶
	۵۵-۶۴	۴۱/۳	۳۴

این گروه سنی که محصلین را شامل می‌شود به جمعیت فعال بیافزاییم، سهم بالایی از اشتغال بالقوه را در ادوار بعدی به خود اختصاص خواهد داد. به طوری که در دهه اخیر نرخ مشارکت این گروه سنی کاهش می‌یابد، زیرا بخش بزرگی از نیروی کار بالقوه فعال در این گروه به شکل فعال بالفعل گروه‌های سنی بالاتر نمایان می‌شود.

اما گروه سنی ۲۰-۳۴ سال دارای بالاترین نرخ مشارکت بالفعل در تمامی ادوار بوده است. نرخ مشارکت این گروه سنی از ۵۶/۵ درصد در دهه ۵۰ به ۵۳/۴ درصد در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۰ و ۵۱/۷ در دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۰ و ۵۰ درصد در دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۰ بالغ شده است که روندی نزولی را نشان می‌دهد. این گروه سنی به لحاظ مشارکت اجتماعی بالاتر و نیز نرخ باروری و بهره‌وری بیشتر دارای ویژگی خاصی در تمامی گروه‌های سنی می‌باشد. جوانی‌بارزترین مشخصه این گروه سنی می‌باشد. مقایسه نرخ مشارکت بالفعل و بالقوه این گروه سنی طی ادوار مختلف حاکی از آن است که گروه سنی ۲۰-۳۴ سال از بیشترین ظرفیت کار خود استفاده کرده‌اند، زیرا شکاف نرخ مشارکت بالفعل و بالقوه در این گروه سنی حداقل است. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری قابل توجه برای افزایش مشارکت افراد در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در این گروه سنی چندان مطلوب نخواهد بود و به این دلیل که حداکثر ظرفیت در این گروه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

اما گروه سنی ۳۵-۵۴ سال در میان تمامی

نرخ مشارکت گروه سنی ۱۰-۱۹ سال، طی ادوار مختلف روندی نزولی داشته که نشان دهنده رشد فرهنگی و تحول در ارزش‌های اجتماعی است، چراکه گروه سنی ۱۰-۱۹ سال، گروهی هستند که بالاترین جمعیت در حال تحصیل را شامل می‌شود. مقایسه نرخ مشارکت بالفعل و بالقوه در گروه سنی ۱۰-۱۹ سال نشان می‌دهد که بخش اعظم افراد این گروه به شکل بالقوه فعال می‌باشند و چنانچه جمعیت فعال بالقوه

بالاتر از نرخ مشارکت بالفعل بوده است، اما این ویژگی برای گروه سنی ۶۴-۵۵ سال معکوس می‌باشد. نرخ مشارکت این گروه از ۵۰/۱ درصد در دهه ۵۰ به ۴۲/۵ درصد در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۰، و ۳۹/۴ درصد در دوره ۱۳۷۰-۱۳۶۵ و ۴۱/۳ درصد در دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۰ بالغ شده است، که مهم‌تر از همه افزایش مشارکت این گروه سنی در سال‌های پایانی ۷۵-۱۳۷۰ می‌باشد و نشان‌دهنده آن است که مشکلات اقتصادی خانوارها اثرات خود را به شکل فشار کاری بر روی افراد با سنین بالا (که قاعدتاً در سنین بازنشستگی قرار دارند) به جای گذاشته، به نحوی که نرخ مشارکت آنها در این دوره افزایش یافته است. اما مقایسه روند نرخ مشارکت این گروه با نرخ مشارکت بالقوه حاکی از آن است که به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی برای گروه‌های سنی پایین‌تر، بخش قابل توجهی از این گروه سنی (۶۴-۵۵ سال) می‌بایست بازنشسته و از چرخه فعالیت‌های اقتصادی خارج شوند. این نتیجه در برخی کشورها به مرحله اجرا گذاشته شده است. به عنوان مثال ترکیه در یک اقدام ضربتی بخش بزرگی از نیروی کار بازنشسته و یا در سنین بازنشستگی را از دور فعالیت اقتصادی خارج نمود. گرچه این امر هزینه تأمین اجتماعی بالایی برای دولت فراهم می‌کند، لیکن منافع اجتماعی آن به مراتب بیشتر خواهد بود. نتایج بررسی‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که نرخ مشارکت این گروه جهت حداکثر کردن نرخ مشارکت بالقوه کل جمعیت و بهینه شدن نظام کاری کشور می‌بایست کاهش یابد و

گروه‌های سنی از حساسیت زیادی برخوردار است، نرخ مشارکت بالفعل این گروه سنی طی ادوار مختلف به جز سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۰ برخلاف سایر گروه‌ها روندی صعودی داشته و از ۴۶ درصد در دهه ۵۰ به ۴۹/۳ درصد در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۰ و ۵۱/۷ درصد در دوره ۱۳۷۰-۱۳۶۵ افزایش یافته است، اما در دوره‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۰ با وجود سرمایه‌گذاری‌های فراوان اقتصادی و سال‌های توسعه، نرخ مشارکت در این گروه سنی به ۴۷ درصد تنزل یافت. در حالی که براساس برآوردهای به عمل آمده نرخ مشارکت بالقوه این گروه سنی در دهه ۵۰ حدود ۷۳/۲ درصد و در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۰، نزدیک ۹۷/۵ درصد و در دوره ۱۳۷۰-۱۳۶۵، بالغ بر ۹۹/۴ درصد و در دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۰ به ۹۹/۶ درصد افزایش یافته است. مقایسه روند و سطح نرخ مشارکت بالفعل و بالقوه در این گروه سنی حاکی از آن است که شکاف عمیقی در این گروه وجود دارد و سرمایه‌گذاری جهت افزایش اشتغال و بهره‌وری در این گروه سنی معنی‌دار خواهد بود. محتمل‌ترین علت برای شکاف میان نرخ مشارکت بالفعل و بالقوه در این گروه سنی خارج شدن بخش اعظمی از زنان به واسطه خانه‌داری و تربیت فرزندان است که از چرخه جمعیت فعال خارج شده‌اند، در حالی که افزودن این گروه به کل جمعیت فعال در گروه سنی ۵۴-۳۵ سال نرخ مشارکت بالقوه را به شدت افزایش خواهد داد. با مقایسه ارقام حاصل شده (نرخ مشارکت بالقوه و بالفعل) ملاحظه می‌شود که در تمامی گروه‌های سنی نرخ مشارکت بالقوه به مراتب

جدول ۴- نرخ بیکاری در گروه‌های سنی مختلف به تفکیک بالفعل و بالقوه

گروه‌های سنی									
سال ۵۵-۶۴		سال ۳۵-۵۴		سال ۲۰-۳۴		سال ۱۰-۱۹			
بالحق	بالبقوه	بالحق	بالبقوه	بالحق	بالبقوه	بالحق	بالبقوه		
۷/۷	۸/۰	۷/۳	۷/۳	۷/۵	۷/۳	۱۳/۹	۱۴/۳	۱۳۵۰-۶۰	
۵/۹	۶	۵/۴	۵/۹	۸/۲	۸/۲	۱۷/۹	۱۹/۶	۱۳۶۰-۶۵	
۶/۲	۶/۶	۳/۷	۴/۲	۹/۹	۹/۹	۲۲/۲	۲۵/۱	۱۳۶۵-۷۰	

جدول ۵- نرخ مشارکت در گروه‌های سنی مختلف به تفکیک بالفعل و بالقوه در ادوار مختلف

گروه‌های سنی									
سال ۵۵-۶۴		سال ۳۵-۵۴		سال ۲۰-۳۴		سال ۱۰-۱۹			
بالحق	بالبقوه	بالحق	بالبقوه	بالحق	بالبقوه	بالحق	بالبقوه		
۴/۲	۵/۱	۷۳/۲	۴۶	۵۸/۹	۵۶/۴۵	۶۱/۵	۲۶/۸	۱۳۵۰-۶۰	
۳۸/۱	۴۲/۵	۹۸/۵	۴۹/۳	۵۷/۲	۵۳/۴	۶۱/۶	۲۰/۳	۱۳۶۰-۶۵	
۳۵/۵	۳۹/۴	۹۹/۴	۵۱/۷	۵۴/۸	۵۱/۷	۴۹/۱	۱۶/۸	۱۳۶۵-۷۰	
۳۴/۰	۴۱/۳	۹۹/۶	۴۷/۰	۵۳/۵	۵۰/۰	۴۴/۹	۱۳/۵	۱۳۶۵-۷۰	

فرصت بیشتری برای گروه‌های سنی پایین‌تر مختلف گروه‌های سنی به گروه‌های بالاتر از خود منتقل می‌شوند، نمی‌توان به سهولت از طریق برآورد دقیق، نرخ بیکاری را در گروه‌های سنی و در ادوار مختلف محاسبه کرد. اما بر اساس

متدولوژی ارائه شده این محاسبه به شکل میانگین متحرک و سهم نسبی هر گروه در کل گروه‌های سنی بسته به ادوار مختلف صورت می‌گیرد. برای این منظور از یک شاخص متحرک اشتغال با وزن‌های سهم جمعیت هر گروه سنی به کل جمعیت موزون استفاده شده است. شاخص مذکور در واقع نرخ مشارکت بالقوه تعدیل شده

### ۵-۳- استخراج عرضه نیروی کار بالقوه

نتایج حاصل از بررسی نرخ مشارکت بالقوه نیروی کار مرحله نخست از استخراج عرضه نیروی کار بالقوه است. همان‌طور که بیان شد، عرضه نیروی کار بالقوه علاوه بر نرخ مشارکت نیروی کار شامل نرخ بیکاری تعدیل شده و نرخ رشد جمعیت در گروه‌های سنی نیز می‌باشد. برای این منظور، از آنجا که در طی ادوایش

می باشد. به عبارت دیگر این شاخص سهم جمعیت فعال بالقوه در گروه به کل جمعیت فعال بالقوه گروه هاست که ما را در استخراج نرخ بیکاری تعدیل شده هدایت می کند. جدول شماره ۴ معادلات مربوط به استخراج نرخ بیکاری تعدیل شده می باشد، با فرض این که نرخ بیکاری شاخص در گروه سنی ۶۴-۲۵ سال صفر است. ندارد.

### ۳-۶- تفسیر نتایج کمی

نتایج برآورد مدل های نرخ مشارکت نیروی کار بر حسب طبقات سنی و با در نظر گرفتن متغیرهای توضیحی (اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی) و نرخ بیکاری در گروه سنی شاخص ۶۴ تا ۲۵ سال در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

نتایج حاصله حاکی از آن است که در کلیه طبقات سنی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی دارای اثرات معنی داری بوده و نیز نرخ بیکاری در گروه سنی شاخص ۶۴-۲۵ سال مطابق انتظارات تئوریک اثرات معنی دار و علامتی مورد انتظار را داشته است. بر این اساس می توان بیان نمود که در گروه سنی ۱۹-۱۰ سال هر چه اندازه و بعد خانوار (SIZE) افزایش یابد مشارکت این گروه سنی در فعالیت های عمومی کاهش می یابد و عکس العمل به ازای هر یک درصد افزایش در بعد خانوار با فرض ثبات در سایر شرایط به طور متوسط حدود ۴/۵ واحد کاهش می یابد.

این در حالی است که برای گروه سنی ۵۴-۳۵ سال به ازای هر یک درصد افزایش در بعد خانوار با فرض ثبات در سایر شرایط مشارکت نیروی کار این گروه سنی به میزان ۱/۶ واحد کاهش

متغیر دیگری که در مدل ها لحاظ شده، جمعیت (POP) است. تعداد جمعیت به لحاظ اهمیت، تقریباً در کلیه طبقات اثرات معنی دار و منفی برای مشارکت نیروی کار محسوب می شود (به غیر از سنین ۶۴-۵۵ سال). در گروه سنی ۱۹-۱۰ سال با فرض ثبات در سایر شرایط، به ازای هر یک درصد افزایش در رشد جمعیت، نرخ مشارکت به میزان ۲/۷ واحد کاهش می یابد. در حالی که این اثر در گروه سنی ۳۴-۲۰ سال ۰/۴- و در گروه سنی ۵۴-۳۵ سال ۰/۳۵- واحد است که مشاهده می شود رشد جمعیت تأثیر شگرفی بر کاهش مشارکت نیروی کار در سنین پایین دارد. در حالی که هر چه به سنین بالاتر می رویم کاهش در نرخ مشارکت نیروی کار کمتر و در سنین بالا (۶۴-۵۵ سال) این اثر تقریباً صفر و بی معنی است.

دستمزد واقعی (WTP) از جمله متغیرهای اساسی و مهم در توضیح نرخ مشارکت نیروی کار در تمام طبقات سنی است. این متغیر همان طور که در بخش های قبلی پژوهش به آن اشاره شد، دارای اثرات متفاوتی است که نتایج حاصل از آن در طبقات سنی مشاهده می شود.



جدول ۶- برآورد مدل‌های نرخ مشارکت نیروی کار در طبقات سنی  $Z_t$ 

$Z_t$ متغیرهای مستقل توضیحی	$Z_t = \hat{X}1019_t$	(t)	$Z_t = \hat{X}2034_t$	(t)	$Z_t = \hat{X}3554_t$	(t)	$Z_t = \hat{X}5564_t$	(t)
جزء ثابت	36.49	(7.2)	3.51	(3.3)	6.84	(2.8)	-0.076	-0.4
Log SIZE	-4.45	(-3.7)	-	-	1.59	(-3.2)	-	-
Log POP	-2.69	(-10.3)	-0.40	(-3.3)	-0.35	(-2.6)	-	-
Log WTP	0.07	(2.3)	-0.02	(-2.2)	0.033	(3.1)	-0.06	(-3.6)
Log SCH	-	-	0.09	(2.8)	-	-	-	-
UN 2564	-0.41	(-7.3)	-0.04	(-2.1)	-0.265	(-7.0)	0.151	(4.8)
UN 2564(-1)	0.101	(2.2)	0.034	(1.7)	0.179(10.5)	(10.5)	-0.144	(-5.5)
AR(1)	-	-	-0.99	(-2.1)	-	-	0.68	(3.6)
MA(1)	-0.41	(-1.7)	-	-	-	-	-	-
$Z_{t-1}$	-	-	0.61	(5.0)	0.936	(9.8)	0.922	(8.4)
$R^2$	0.998		0.996		0.996		0.996	
$\bar{R}^2$	0.996		0.997		0.995		0.995	
D.W(h)	2.06		1.4	(1.64)	2.20	(0.05)	2.33	(0.92)

رشد دستمزد واقعی منجر به افزایش نرخ مشارکت نیروی کار در طبقه سنی ۱۹-۱۰ سال می‌شود و نشان می‌دهد که انگیزه کسب درآمد باعث انتقال بخشی از نیروی کار غیر فعال (عمدتاً دانش آموزان) به گروه فعالان می‌گردد. اما رشد دستمزد واقعی اثرات کاهنده بر نرخ مشارکت نیروی کار در سنین ۲۰-۳۴ سال دارد. این بدان معنی است که افراد این گروه سنی ترجیح می‌دهند در قبال هر یک درصد افزایش در دستمزدهای واقعی وزن بیشتری به فعالیت‌های غیر اقتصادی دهند و نرخ مشارکتشان را به میزان ۰/۰۲ واحد کاهش دهند. بالعکس در گروه سنی ۳۵-۵۴ سال افزایش دستمزد واقعی اثرات واقعی و مثبت بر نرخ مشارکت این گروه دارد و نشان می‌دهد که در این گروه سنی انگیزه درآمدی دارای نقش مهمی در انگیزه فعالیت است. در گروه سنی ۵۵-۶۴ سال نیز رشد دستمزد واقعی منجر به کاهش نرخ مشارکت واقعی این گروه سنی می‌شود و افراد این گروه سنی ترجیح می‌دهند وزن بالاتری به استراحت بپردازند. متغیر دیگری که از مجموع مطالعات صورت گرفته در بخش‌های قبلی به دست آمده است، سطح سواد زنان (SCH) می‌باشد که تنها در گروه سنی ۲۰-۳۴ سال دارای اثرات معنی‌داری

جدول ۷- نرخ بیکاری در گروه‌های سنی مختلف  $UN_i$ 

گروه سنی متغیرهای مستقل	۱۰ - ۱۹		۲۰ - ۳۴		۳۴ - ۵۴		۵۵ - ۶۴	
	i	t	i	t	i	t	i	t
جزء ثابت	۳/۱۸	۲/۱	۵/۱۹	۴/۰	-	-	۱/۱	۳/۲
$UN_i (t-1)$	۰/۸۹	۲۲/۶	۰/۶۸	۹/۶	۰/۳۹	۴/۷	۱/۲۵	۱/۲
UN 2564	-۰/۲۲	-۱/۲	-۰/۲۷	-۳/۵	۱/۱	۱/۱	-۰/۴۵	-۳/۱
$PAR F_i$	۱/۷۵	۱/۲	-۲/۷	۲/۳	-۱۲/۳	-۶/۳	۳/۴۷	-۰/۸۹
D68	۰/۴۸	۲/۲	۰/۳۷	۲/۹	-	-	-	-
AR(1)	-	-	-	-	-	-	-	-
MA(1)	-	-	-	-	۰/۹۹	۸۷/۵	۰/۹۳	۲/۹
$R^2$	۰/۹۹		۰/۹۹		۰/۹۹		۰/۹۹	
$\bar{R}^2$	۰/۹۹		۰/۹۹		۰/۹۹		۰/۹۹	
D.W	۲/۲		۲/۰۴		۱/۳		۲/۰۳	

که نرخ‌های بالای بیکاری دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی-اجتماعی را غیر ممکن می‌سازد لذا باید مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گیرد.

#### ۴-۱- تصویری از شکاف موجود میان اشتغال

##### بالحوه و بالفعل نیروی کار در اقتصاد ایران

بحران بیکاری در اقتصاد ایران بحرانی است که حیات درازمدت اقتصادی-اجتماعی را تهدید می‌کند و در پی رشد شتابان جمعیت در سال‌های پس از انقلاب اسلامی عرضه نیروی کار در جامعه به تدریج افزایش چشمگیری می‌یابد. اما پایین بودن آهنگ رشد اقتصادی باعث شد که حجم قابل توجهی از این جمعیت نتوانند جذب

است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که به ازای هر یک درصد افزایش در سطح سواد زنان، نرخ مشارکت گروه سنی ۲۰-۳۴ سال به طور متوسط به میزان ۰/۰۹ واحد افزایش می‌یابد (با حفظ ثبات در سایر شرایط). در مجموع تمام معادلات از لحاظ آماری معنی دار بوده و درصد بالایی از نرخ‌های مشارکت نیروی کار در طبقات سنی را توضیح می‌دهند.

#### ۴-۲- نتیجه‌گیری و توصیه برای سیاستگذاری

بیکاری عارضه‌ای است که در سرتاسر جهان و در هر نظریه‌ای حکایت از بحران دارد. از این رو مبارزه با بیکاری یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاستی در اقتصاد است و تجربه نشان داده است

جدول ۸ - تحولات شاخص های اشتغال در اقتصاد ایران (درصد)

سال	جمعیت فعال به کل جمعیت	جمعیت شاغل به کل جمعیت	جمعیت شاغل به جمعیت بیکار
۱۳۶۵	۲۵/۹	۲۲/۳	۱۰/۲
۱۳۷۰	۲۶/۴	۲۳/۵	۱۴/۲
۱۳۷۵	۲۶/۷	۲۴/۳	۹/۱
۱۳۷۶	۲۷/۶	۲۴/۳	۱۱/۹

مأخذ: ترازنامه های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۹ - وضعیت اشتغال در برنامه دوم توسعه - هزار نفر (ارقام برآوردی می باشد)

سال	ابتدای برنامه (۷۴)	انتهای برنامه* (۷۸)	افزایش خالص	نرخ رشد سالانه
کل جمعیت	۶۰،۰۵۶	۶۷،۳۳۱	۷،۲۷۵	٪۳/۲
جمعیت ده سال و بیشتر	۴۲،۰۳۷	۵۰،۱۲۲	۸،۰۸۵	٪۳/۶
عرضه نیروی کار	۱۶،۰۱۶	۱۹،۰۹۶	۳،۰۸۰	٪۳/۶
اشتغال	۱۳،۸۱۸	۱۶،۳۱۷	۲،۴۹۹	٪۳/۴
تعداد بیکاران	۲،۱۹۸	۲،۷۷۹	۵۸۱	-
نرخ بیکاری	٪۱۳/۷	٪۱۴/۱۶	-	-

مأخذ: قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

بازار کار شوند و حاصل نیز نرخ دو رقمی کنونی شمار بیکاران در اقتصاد ایران است. جداول ۸، ۹، تحولات نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت - جمعیت شاغل به کل جمعیت، جمعیت شاغل به جمعیت فعال و جمعیت بیکار در اقتصاد ایران را طی سال های اخیر ارائه می نماید، نگاهی کوتاه به ارقام جداول نشان می دهد که به رغم فراز و فرودهای نسبت هادر سال های مختلف، همواره شاهد نرخ های بالای بیکاری بوده ایم؛ به نحوی که در تمام سال های مورد بررسی هیچگاه نرخ بیکاری کمتر از ۹ درصد گزارش نشده است. بیکاری موجود از سه بعد متفاوت حیات اقتصادی - اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد؛ اول آن که حجم چشمگیری از نیروی کار به عنوان یک منبع مولد اقتصادی بدون استفاده یا با بهره برداری ناکافی باقی می ماند، این گروه منبع بالقوه ای است که بایستی از آنها استفاده

شود عدم استفاده از آنها کاهش نرخ رشد اقتصادی و سطح توسعه اقتصادی را به همراه دارد. دوم آن که بخش بزرگی از نیروی بالقوه کار فاقد درآمد قابل اتکایی می‌شوند که تکافوی نیازهای آنها با بستگانشان را نماید، در نتیجه فقر در جامعه گسترش می‌یابد و سیاست‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. سوم آن که بسیاری از افراد به خاطر

نداشتن فرصت‌های اشتغال دلسرد و مأیوس می‌شوند که جوّ یأس و ناامیدی ناشی از این وضعیت همراه با گسترش فقر می‌تواند موجب گسترش عارضه‌های اجتماعی مانند افزایش بزهکاری و جرایم شود. از این رو راهکارهای مبارزه با معضل بیکاری همواره مورد نظر سیاستگذاران اقتصادی بوده است. برخلاف روند نرخ رشد جمعیت، نرخ رشد موجودی سرمایه از ۵/۹ درصد طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به ۴/۱- درصد طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۶۵ می‌رسد و طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۰ به ۶/۶ درصد افزایش می‌یابد که از دلایل عمده آن می‌توان به آثار

جنگ تحمیلی اشاره نمود. با وجود آثار مثبت برنامه اول توسعه بر موجودی سرمایه، میانگین نرخ رشد موجودی سرمایه طی دوره ۱۳۷۳-۱۳۵۵ از ۱/۴ درصد تجاوز نمی‌کند. تولید واقعی ناخالص داخلی به قیمت عوامل که طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ از نرخ رشد بسیار بالایی در حدود ۱۲/۴ درصد برخوردار بود، در دهه بعد از آن به نرخ رشد منفی ۲ درصد تنزل می‌یابد. با شروع برنامه اول این نرخ تغییر جهت یافته به ۴/۴ درصد می‌رسد،

۱۰. بررسی عملکرد قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از مستندات قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.



- ۳۳/۲ درصد می‌رسد، اما تحت تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی و واگذاری پاره‌ای از فعالیت‌های بخش عمومی به بخش خصوصی از نسبت مذکور تا حدودی کاسته می‌شود.
- بررسی ترکیب سنی جمعیتی کشور طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که کشور به لحاظ ساختار سنی همواره از ساختار جوانی برخوردار بوده است. در تمام طول این دوره، کمتر از ۴ درصد جمعیت بیش از ۶۵ سال سن داشته‌اند و حدود ۴۵ درصد جمعیت در گروه سنی ۰-۱۴ سال قرار داشته‌اند. با کاهش نرخ رشد جمعیت از نسبت جمعیت (۰-۱۴) ساله کاسته و بر جمعیت واقع در سن ۱۵-۶۴ ساله افزوده شده است. از دیدگاه دیگر این تغییر جهت در حجم جمعیت ۱۰ ساله به بالا کاملاً مشهود است.
- همچنین نرخ مشارکت نیروی کار یعنی نسبت کل جمعیت شاغل و بیکار به کل جمعیت ۱۰ ساله به بالا به تدریج کاهش یافته است. با شرح مختصری که از چگونگی وضعیت اشتغال و بیکاری در اقتصاد کشور ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت که:
- ۱- نرخ رشد جمعیت طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به بالاترین حد خود یعنی ۳/۹ درصد رسیده است و پس از آن با ارائه راهکارهای گوناگونی از رشد صعودی تا حدی کاسته شده است.
  - ۲- نرخ رشد موجودی سرمایه قابل توجه و چشمگیر نبوده است.
  - ۳- رشد تولید ناخالص واقعی نیز کاهش یافته است.
  - ۴- نرخ رشد شاغلان طی سال‌های مذکور روند صعودی طی نموده است.
  - ۵- با توجه به افزایش شاغلان بخش عمومی چنین به نظر می‌رسد که رشد تعداد شاغلان به طور عمده تحت تأثیر دو عامل افزایش حجم جمعیت فعال و گسترش فعالیت‌های بخش عمومی صورت گرفته است.
  - ۶- نسبت شاغلان در بخش‌های اقتصادی در سال‌های مذکور تغییر محسوسی نموده، به گونه‌ای که سهم شاغلان بخش‌های کشاورزی کاسته شده و بر شاغلان بخش خدمات افزوده شده است.
  - ۷- موجودی سرمایه که متأثر از سرمایه‌گذاری سال‌های اولیه برنامه اول است از سال ۱۳۷۰ با رشد سالانه ۶/۶ درصد ادامه یافته است.
  - ۸- نرخ مشارکت نیروی کار همواره در حال کاهش است که نرخ بیکاری واقعی را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر نرخ بیکاری آشکار به علاوه بیکاری پنهان باید مد نظر قرار گیرد.
  - ۹- شروع برنامه اول بهبودی در وضعیت برخی از شاخص‌ها حاصل نموده است.
  - ۱۰- در سال ۱۳۷۸ جمعیت فعال اقتصادی بالغ بر ۱۷,۹۲۶,۰۰۰ نفر است و سالانه طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۸ حدود ۶۳۳ هزار نفر نیروی کار جدید وارد بازار کار شده است.
  - ۱۱- سهم نیروی کار دارای آموزش عالی از آمار فوق ۲۲/۴ درصد است.
  - ۱۲- در حال حاضر تعداد بیکاران جویای کار در کشور بالغ بر ۲,۸۷۴,۰۰۰ نفر است و سهم بیکاران دارای تحصیلات عالی ۱۰ درصد بیکاران برآورد می‌شود.

جدول ۱۰- تغییرات رشد جمعیت، موجودی سرمایه و تولید ناخالص داخلی (۱۳۴۵-۱۳۷۵)  
(ارقام به درصد)

دوره	۱۳۵۵-۱۳۴۵	۱۳۶۵-۱۳۵۵	۱۳۷۰-۱۳۶۵	۱۳۷۳-۱۳۷۰	۱۳۷۳-۱۳۵۵
رشد جمعیت	۲/۷	۳/۹	۲/۴۵	۲/۱	۳/۲
رشد موجودی سرمایه به قیمت ثابت	۱۲/۷	۵/۹	-۴/۱	۶/۶	۴/۱
رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل	۱۲/۴	-۲	۴/۴	۰/۰۴	۰/۰۶۳

مأخذ: مرکز آمار ایران - سرشماری های نفوس و مسکن - سازمان برنامه و بودجه مجموعه اطلاعاتی (سری های زمانی)

جدول ۱۱- توزیع شاغلان در بخش های مختلف اقتصادی  
واحد: هزار نفر

۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۰		۱۳۷۵*	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۳۱۶۸	۴۶/۲	۲۹۹۲	۳۴	۳۱۹۱	۲۹	۳۲۰۵	۲۴/۵	۳۶۶۰	۲۶/۴
۱۸۵۸	۲۷/۱	۳۰۱۲	۳۴/۲	۲۷۸۱	۲۵/۳	۳۶۱۶	۲۷/۶	۴۱۹۱	۳۰/۲
۱۸۳۳	۲۶/۷	۲۷۹۵	۳۱/۸	۵۰۳۰	۴۵/۷	۶۲۷۵	۴۷/۹	۶۰۲۰	۴۳/۴
۶۷۵۸	۱۰۰	۸۷۹۹	۱۰۰	۱۱۰۰۲	۱۰۰	۱۳۰۹۶	۱۰۰	۱۳۸۷۱	۱۰۰

مأخذ: سرشماری های سال های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ نفوس و مسکن

\* - آمارهای سال ۱۳۷۵ برآوردی می باشد

جدول ۱۲- توزیع شاغلان به تفکیک بخش های عمومی و خصوصی (ارقام به درصد)

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
نسبت شاغلان بخش عمومی به بخش ها	۹/۷	۱۹/۰	۳/۱۳	۳۳/۲	۲۹/۳
نسبت شاغلان بخش خصوصی به بخش ها	۸۹/۶	۷۶/۴	۶۴/۵	۶۵/۲	۷۰/۷
اظهار نشده بخش ها	۰/۷	۴/۶	۴/۲	۱/۶	-
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: سرشماری های نفوس و مسکن

واحد: هزار نفر

جدول ۱۳- شاغلین و یگانگان و اشتغال بالقوه و بالفعل

BIP	اشتغال بالقوه و کل (جمعیت فعال)	فعالان به تفکیک سن						یگانگان به تفکیک سن						شاغلین به تفکیک سن				اشتغال بالفعل کل جمعیت شاغل TOTAL
		DATE	FA	PA	PA	PA	PA	PU	PU	PU	PU	PU	PU	Po	Pe	PE	PE	
۶۱۵/۳	۸۲۱۹/۸	۱۳۵۰	۱۹۹۷/۰	۲۰-۳۴	۲۲۴۶/۳	۵۸۱/۰	۱۹۱/۳	۱۹۱/۳	۱۹۱/۳	۲۰-۳۴	۳۵-۵۴	۵۵-۶۴	۱۰-۱۹	۱۰-۱۹	۲۰-۳۴	۳۵-۵۴	۵۵-۶۴	۷۶-۸۵
۶۶۳/۳	۸۴۰۷/۳	۱۳۵۱	۲۰۱۲/۴	۲۲۲۲/۴	۲۲۷۱/۹	۵۸۸/۷	۲۱۳/۱	۲۱۳/۱	۲۱۳/۱	۲۱-۳۵	۳۶-۵۵	۵۶-۶۵	۱۸-۱۷	۱۸-۱۷	۲۱-۳۵	۲۲-۳۴	۲۲-۳۴	۷۷۲/۱
۷۰۶/۶	۸۶۳۳/۵	۱۳۵۲	۲۰۳۱/۶	۲۳۵۳/۲	۲۵۲۹/۳	۶۲۰/۵	۲۲۲/۱	۲۲۲/۱	۲۲۲/۱	۲۲-۳۶	۳۷-۵۶	۵۷-۶۶	۱۷۹۷/۵	۱۷۹۷/۵	۲۲-۳۶	۲۳-۳۷	۲۳-۳۷	۷۹۲۷/۹
۷۵۹/۳	۸۸۱۹/۳	۱۳۵۳	۲۰۵۰/۶	۲۵۵۶/۰	۲۵۵۵/۱	۶۲۷/۶	۲۵۲/۷	۲۵۲/۷	۲۵۲/۷	۲۳-۳۷	۳۸-۵۷	۵۸-۶۷	۱۷۹۵/۹	۱۷۹۵/۹	۲۳-۳۷	۲۴-۳۸	۲۴-۳۸	۸۰۶۰/۱
۸۰۷/۹	۹۰۲۲/۷	۱۳۵۴	۲۰۶۹/۲	۲۶۸۳/۳	۲۶۳۲/۵	۶۵۸/۷	۲۷۲/۶	۲۶۸/۸	۲۶۸/۸	۲۴-۳۸	۳۹-۵۸	۵۹-۶۸	۱۷۹۲/۵	۱۷۹۲/۵	۲۴-۳۸	۲۵-۳۹	۲۵-۳۹	۸۲۳۳/۹
۸۵۹/۵	۹۲۵۹/۷	۱۳۵۵	۲۰۸۳/۸	۲۸۰۶/۳	۲۶۹۰/۱	۶۷۹/۵	۲۹۲/۴	۲۹۲/۴	۲۹۲/۴	۲۵-۳۹	۴۰-۵۹	۶۰-۶۹	۱۷۸۹/۶	۱۷۸۹/۶	۲۵-۳۹	۲۶-۴۰	۲۶-۴۰	۸۴۰۰/۴
۸۸۲/۴	۹۵۲۲/۶	۱۳۵۶	۲۰۸۷/۱	۲۹۷۶/۳	۲۷۷۱/۰	۷۰۸/۱	۳۱۱/۰	۲۹۹/۳	۲۹۹/۳	۲۶-۴۰	۴۱-۶۰	۷۰-۷۹	۱۷۷۶/۰	۱۷۷۶/۰	۲۶-۴۰	۲۷-۴۱	۲۷-۴۱	۸۶۶۰/۳
۹۰۸	۹۸۱۸/۶	۱۳۵۷	۲۰۸۷/۵	۳۱۲۳/۸	۲۸۵۲/۱	۷۶۲/۲	۳۲۷/۱	۳۱۰/۵	۳۱۰/۵	۲۷-۴۱	۴۲-۶۱	۷۱-۸۰	۱۷۶۰/۴	۱۷۶۰/۴	۲۷-۴۱	۲۸-۴۲	۲۸-۴۲	۸۹۱۰/۶
۹۳۵/۸	۱۰۰۹۳/۶	۱۳۵۸	۲۰۹۰/۷	۳۳۰۵/۹	۲۹۳۳/۴	۷۶۳/۶	۳۳۲/۲	۳۲۵/۶	۳۲۵/۶	۲۸-۴۲	۴۳-۶۲	۷۲-۸۱	۱۷۴۸/۶	۱۷۴۸/۶	۲۸-۴۲	۲۹-۴۳	۲۹-۴۳	۹۱۵۸/۱
۹۶۰/۹	۱۰۴۰۱/۷	۱۳۵۹	۲۰۹۱/۸	۳۴۸۸/۸	۳۰۲۶/۶	۷۹۲/۵	۳۵۶/۶	۳۴۹/۹	۳۴۹/۹	۲۹-۴۳	۴۴-۶۳	۷۳-۸۲	۱۷۳۵/۲	۱۷۳۵/۲	۲۹-۴۳	۳۰-۴۴	۳۰-۴۴	۹۳۳۰/۷
۹۸۹/۲	۱۰۷۰۵/۹	۱۳۶۰	۲۰۹۲/۹	۳۶۶۸/۲	۳۱۲۰/۱	۸۲۲/۷	۳۷۰/۶	۳۵۸/۶	۳۵۸/۶	۳۰-۴۴	۴۵-۶۴	۷۴-۸۳	۱۷۲۲/۴	۱۷۲۲/۴	۳۰-۴۴	۳۱-۴۵	۳۱-۴۵	۹۵۱۶/۸
۱۰۲۰/۸	۱۱۰۰۰/۱	۱۳۶۱	۲۰۸۹/۱	۳۸۴۸/۸	۳۱۳۳/۸	۸۵۲/۴	۳۸۲/۶	۳۸۱/۵	۳۸۱/۵	۳۱-۴۵	۴۶-۶۵	۷۵-۸۴	۱۷۰۲/۵	۱۷۰۲/۵	۳۱-۴۵	۳۲-۴۶	۳۲-۴۶	۹۸۱۱/۳
۱۰۵۰/۳	۱۱۳۳۸/۳	۱۳۶۲	۲۰۸۱/۰	۴۰۲۰/۵	۳۲۱۹/۶	۸۸۷/۱	۳۹۷/۹	۳۹۰/۴	۳۹۰/۴	۳۲-۴۶	۴۷-۶۶	۷۶-۸۵	۱۶۸۳/۰	۱۶۸۳/۰	۳۲-۴۶	۳۳-۴۷	۳۳-۴۷	۱۰۲۰۰/۹

زر فاش

وړاندیز د مرګونو

د لږمې جګړې ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ د شلمې زېږديزې کال د شلمې کال د شلمې کال د شلمې کال

SPP	د استعمال پالنې کول (جمعیت فعال)	د لږمې جګړې ۱۳۰۰ - ۱۳۰۱ د شلمې زېږديزې کال د شلمې کال د شلمې کال										د استعمال پالنې کول جمعیت د شلمې کال			
		DATA	PA	PA	PA	PA	PA	PU	PU	PU	PU		PU	Pe	Pe
۱۰۸۲/۵	۱۱۵۵۲/۵	۱۳۲۳	۲۰۷۵/۹	۵۲۳۳/۲	۳۲۵۵/۷	۹۱۹/۳	۲۱۰/۵	۳۳۲/۲	۱۸۲/۸	۵۲/۹	۱۲۲۵/۳	۲۸۰۱/۳	۳۳۲۰/۹	۸۲۲/۳	۱۰۵۲۳/۱
۱۱۱۲/۷	۱۲۰۱۳/۲	۱۳۲۳	۲۰۲۹/۵	۵۲۳۵/۷	۲۵۲۳/۰	۹۵۲/۳	۲۲۲/۲	۲۲۱/۰	۱۷۲/۹	۵۲/۲	۱۲۲۵/۳	۲۹۸۲/۸	۳۳۲۹/۱	۸۹۹/۸	۱۰۹۰۰/۰
۱۱۰۰/۲	۱۲۳۳۳/۳	۱۳۲۵	۲۰۲۳/۰	۵۲۳۳/۹	۳۲۵۰/۸	۹۵۵/۵	۲۲۲/۷	۲۲۲/۳	۱۵۲/۳	۵۵/۳	۱۲۲۵/۳	۳۲۹۸/۵	۳۲۹۸/۵	۹۳۰/۲	۱۱۲۳۳/۲
۱۱۳۷/۲	۱۲۵۸۷/۳	۱۳۲۲	۲۰۲۳/۸	۵۲۸۱/۲	۳۲۳۳/۰	۱۰۰۹/۳	۲۲۲/۳	۲۹۵/۳	۱۵۰/۱	۵۷/۳	۱۲۲۵/۳	۳۲۸۲/۰	۳۲۸۲/۰	۹۵۱/۹	۱۱۲۵۰/۳
۱۱۷۲/۳	۱۲۸۰۲/۸	۱۳۲۷	۲۰۲۳/۲	۵۲۰۲/۳	۳۸۰۵/۵	۱۰۲۹/۵	۲۲۲/۲	۵۲۸/۰	۱۲۷/۱	۵۷/۰	۱۲۲۵/۳	۳۲۸۸/۳	۳۲۸۸/۳	۹۷۰/۵	۱۱۲۲۸/۲
۱۲۱۱/۳	۱۲۹۲۵/۷	۱۳۲۸	۱۹۳۳/۳	۵۲۰۱/۷	۳۸۸۹/۰	۱۰۵۲/۸	۲۲۹/۲	۵۵۸/۳	۱۲۱/۳	۲۱/۲	۱۲۲۵/۳	۳۲۹۸/۵	۳۲۹۸/۵	۹۹۱/۲	۱۱۲۷۲/۲
۱۲۲۵/۷	۱۳۱۸۵/۹	۱۳۲۹	۱۹۲۰/۱	۵۱۹۹/۱	۳۹۷۸/۸	۱۰۷۵/۹	۲۵۵/۳	۵۹۷/۰	۱۳۵/۰	۲۳/۳	۱۲۲۵/۳	۳۲۰۵/۱	۳۲۸۷/۸	۱۰۱۲/۲	۱۱۲۹۲/۱
۱۲۸۰/۲	۱۳۳۲۵/۲	۱۳۳۰	۱۹۲۷/۸	۳۲۳/۳	۲۰۵۲/۷	۱۰۹۸/۷	۲۲۲/۰	۱۲۷/۷	۲۵/۵	۲۵/۵	۱۲۲۵/۳	۳۲۱۲/۵	۳۲۹۲/۰	۱۰۲۳/۳	۱۲۱۲۵/۲
۱۳۲۲/۲	۱۳۳۲۹/۲	۱۳۳۱	۱۹۵۲/۳	۳۲۲/۳	۲۱۱۲/۹	۱۱۱۲/۹	۲۲۲/۰	۱۲۲/۸	۲۸/۷	۲۸/۷	۱۲۲۵/۳	۳۲۸۱/۳	۳۲۹۲/۰	۱۰۲۳/۳	۱۲۳۰۸/۲
۱۳۲۵/۹	۱۳۳۷۹/۷	۱۳۳۲	۱۹۵۵/۲	۳۲۲/۵	۲۱۲۲/۸	۱۱۲۷/۸	۲۸۲/۳	۲۲۸/۹	۲۷/۵	۲۷/۵	۱۲۲۵/۳	۳۲۸۰/۵	۳۲۹۲/۰	۱۰۲۳/۳	۱۲۳۱۳/۲
۱۳۰۲/۲	۱۳۴۵۵/۲	۱۳۳۳	۱۹۲۲/۹	۳۲۲/۲	۲۲۲/۷	۱۱۲۲/۷	۲۲۲/۰	۲۲۲/۹	۲۸/۵	۲۸/۵	۱۲۲۵/۳	۳۲۸۵/۷	۳۲۹۲/۰	۱۰۲۳/۳	۱۲۳۵۵/۲
۱۳۲۹/۲	۱۳۱۵۱/۱	۱۳۳۴	۱۹۵۸/۲	۳۲۳/۱	۲۲۸۵/۲	۱۱۵۵/۲	۲۲۲/۰	۲۲۲/۸	۲۸/۵	۲۸/۵	۱۲۲۵/۳	۳۲۸۲/۳	۳۲۹۲/۰	۱۰۲۳/۳	۱۲۳۷۲/۰
۱۳۲۲/۱	۱۳۲۰۰	۱۳۳۵	۱۹۴۲/۵	۳۲۳/۸	۲۳۳۳/۵	۱۱۷۲/۳	۲۲۲/۰	۲۲۲/۰	۲۰۸/۲	۸۷/۵	۱۲۲۵/۳	۳۲۹۲/۰	۳۲۹۲/۰	۱۰۲۳/۳	۱۲۳۸۳/۹



۱۳- براساس مطالعات انجام شده، در صورت تحقق رشد اقتصادی متوسط حدود ۶ درصد در طول سال‌های برنامه سوم (که مستلزم رشد متوسط ۷/۲ درصد سرمایه‌گذاری است) نرخ بیکاری در سال پایانی برنامه سوم (۱۳۸۳) بین ۱۰/۸ تا ۱۲/۸ درصد خواهد بود.

**۲-۴- ارائه راهکارها و توصیه برای سیاست‌گذاری جهت کاهش شکاف میان اشتغال بالقوه و بالفعل**

داده‌های آماری نشان می‌دهد که حدود ۲۴ میلیون نفر از جمعیت فعلی کشور را جوانان (۱۵-۳۰) سال تشکیل می‌دهند، به عبارت دیگر ۴۰ درصد از ترکیب جمعیت کشور را جوانان به خود اختصاص داده‌اند. در این شرایط دولت بر اساس دیدگاه کارشناسان پیش‌بینی کرده است که در طول سال باید ۷۶۰ هزار شغل جدید برای متقاضیان ایجاد کند. آمارهای موجود حاکی از آن است که دولت با تمامی توان خود در عرصه‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی توانسته است ۲۰۰ هزار شغل جدید فراهم سازد. کاملاً واضح است که به طور کلی افزایش نرخ اشتغال را میزان سرمایه‌گذاری و توزیع آن میان بخش‌ها و یا افزایش تولید ناخالص داخلی تعیین می‌کند. به عبارت بهتر مسئولیت پاسخگویی به تقاضای کار و عرضه آن بر عهده دو بخش خصوصی و دولتی است و بستگی به میزان سرمایه‌گذاری آنها دارد. فرصت‌های

نهفته اشتغال عامل دیگری است که به توضیح مختصری در مورد آن خواهیم پرداخت.

**۱-۲-۴- دولت و نقش آن در کاهش شکاف مذکور میان جمعیت شاغل بالقوه و بالفعل**

بسیاری از دولت‌ها نقش عمده و مستقیمی در تشکیل سرمایه و توسعه اقتصادی داشته‌اند با این همه نقش دولت تنها تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری مستقیم نیست، از آن مهم‌تر این که دولت باید محیط اقتصادی و اجتماعی را مناسب جهت جذب سرمایه نماید. بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی هم چون احداث راه‌ها، شبکه مخابرات، آب، برق و... معمولاً بر عهده دولت خواهد بود، به موازات این امر دولت باید به فضاسازی برای توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری مبادرت کند، این زمینه‌سازی ابعاد گوناگونی مانند مالی، مالیاتی، پولی و بانکی و... دارد. وجود نیروی کار مستعد و ماهر و همچنین وجود تجهیزات سخت‌افزاری دو مزیت مهمی است که اقتصاد ایران در حال حاضر از آن برخوردار است. بنابراین در شرایط خاص مهم‌ترین مسئله آن است که فضای لازم برای سرمایه‌گذاری به وجود آید و راهکارهایی هنگام برنامه‌ریزی دولت جهت حل مشکلات بیکاری اتخاذ شود. در خصوص برنامه‌های دولت طی سال‌های اخیر چند نکته حائز اهمیت به نظر می‌رسد. اول این که بر خلاف سیاست‌های طرح شده در سال‌های اخیر توسعه صنایع کوچک و خانگی راه حل دائمی و بلند مدت مسئله

بیکاری در سطح فعلی نمی‌باشد و فقط به عنوان تخفیف‌دهنده معضل فوق محسوب می‌شود. در مقابل، دولت باید در شرایط کنونی عمدتاً به آن دسته از بخش‌ها و زیر بخش‌های اقتصاد توجه نماید که بیشترین ارتباط را با دیگر حوزه‌ها دارا بوده و بنابراین توان اشتغال‌زایی بالایی دارند. برای مثال توسعه بخش مسکن نمونه‌ای از این موارد است. صرف نظر از بحث در مورد مزیت‌های نسبی ایران در صنایع خودروسازی، اشتغال‌زایی این بخش و زیر بخش‌های مربوط به آن مانند قطعه‌سازی قابل توجه است و علاوه بر آن می‌توان مزیت‌های نسبی اقتصادی در این حوزه را تقویت نمود.

مسئله قابل ذکر دیگر این که بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه به عنوان محور اصلی شناخته و بررسی می‌شود. بازار کار، محور تحولات اساسی اقتصاد ایران در آینده است و تردیدی وجود ندارد که یکی از گره‌های اصلی اقتصاد یافتن راه حل‌هایی برای کاستن از نرخ بالای بیکاری است. راه‌حل‌های مشخص اقتصادی در بطن راهبردهای توسعه‌ای قرار دارد که در سطح کلان اقتصادی برای کشور ترسیم شده است. پس حل معضل بیکاری در گرو راهبرد عامی است که خود اشتغال‌زا باشد. اقتصاد ایران به عنوان اقتصادی در حال گذراست و طی چند دهه‌اخیر با روندهای گوناگون در جهت استقرار ساختار و سازمان مدرن برپهنه حیات

اقتصادی حرکت کرده است، اما توسعه که فی‌نفسه با روند نوسازی اقتصادی سر و کار دارد نمی‌تواند متکی بر بخشی از اقتصاد باشد که با افزایش سطح توسعه یافتگی جایگاه آن در مجموعه کنش‌های اقتصادی به طور نسبی کاهش می‌یابد. به طور کلی هر کشوری که مسیر توسعه را طی کرده، از ساختار مبتنی بر کشاورزی و دیگر بخش‌های سنتی اقتصاد، به ساختار اقتصاد مدرن مبتنی بر بخش‌های صنعتی و خدماتی تحول یافته است. در سال‌های اخیر محور اصلی برنامه و توسعه، بخش کشاورزی اعلام شده است که با توجه به اهمیت فعلی بازار کار در اقتصاد ایران تأکید بر بخش کشاورزی نمی‌تواند از سنگینی فعلی بحران بیکاری بکاهد.

قابل توجه است که در سال ۱۳۳۵ یعنی در حدود ۴۰ سال قبل و در زمانی که ۵۱/۳ درصد از کل شاغلان کشور در بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند و اکثریت مطلق مردم روستانشین بودند، شمار شاغلان این بخش ۳،۲۴۰،۰۰۰ نفر بود و بعد از گذشت چهار دهه در سال ۱۳۷۵ نسبت شاغلان این بخش به ۲۳ درصد کل نیروی شاغل کاهش و رقم کل شاغلان کشاورزی کم و بیش ثابت ماند (رقمی حدود ۳،۳۵۷،۰۰۰ نفر) یعنی با گذشت ۴۰ سال و میلیون‌ها نفر افزایش در جمعیت و اشتغال، شمار نیروی کار بخش کشاورزی حدود ۱۰۰ هزار نفر افزایش یافته است و طی

این مدت شاغلان بخش فوق حدود ۳ میلیون نفر ثابت مانده‌اند. همچنین بخش عمده‌ای از این افراد بیکاران فصلی و شاغلان فصلی در مراکز هستند. لذا جهت اشتغال‌زایی بیشتر این بخش تکمیل طرح‌های اجراشده در زمینه تأمین آب کشاورزی به منظور افزایش سطح زیرکشت، اعطای امتیازات مناسب به تشکل‌های تعاونی تخصصی فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی برای ایجاد روش‌های نوین تولید، و بهره‌برداری بهینه از منابع موجود توصیه می‌شود.

همچنین قابل ذکر است که ایجاد فرصت‌های شغلی در عمده فعالیت‌های بخش کشاورزی و صنعت مستلزم صرف سرمایه‌گذاری قابل توجه و زمان مناسب برای بهره‌برداری رسیدن این سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد و با توجه به این که بخش خدمات نیاز به سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه در مقایسه با بخش‌های فوق‌الذکر نداشته است، امکان ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب در کوتاه مدت را داراست و توجه بیشتر دولت و افزایش توان اشتغال‌زایی این بخش را به خود معطوف می‌دارد که با توجه به نیاز این فعالیت‌ها به نیروی کار متخصص برای فعالیت‌های اصلی و غیرمتخصص برای فعالیت‌های جنبی همزمان مشکلات اقتصادی هر دو قشر از نیروی کار جوان و بیکار کشور را کاهش خواهد داد.

۲-۲-۴- نقش بخش خصوصی در شکاف عرضه نیروی کار

از آنجایی که نتایج اتکا به بخش دولتی برای رفع معضل اشتغال نیروی کار فزاینده کشور که عمده آن نیز نیروی جوان هستند چندان کارساز نبوده است و با توجه به فزونی نرخ بیکاری اقشار تحصیلکرده کشور و عدم وجود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گسترده اشتغال در بخش دولتی، ضروری است در راستای جذب این نیروها زمینه اشتغال در فعالیت‌های بخش خصوصی فراهم شود. از آنجایی که بخش عمده فعالیت‌های بخش خصوصی در قالب فعالیت‌های خدماتی است، و همان‌طور که در قسمت قبل نیز اشاره شد، نیاز به سرمایه‌گذاری چندان ندارد، می‌تواند حجم قابل توجهی از جمعیت بیکار را پوشش می‌دهد.

برخلاف دولت که انگیزه ایجاد اشتغال صرف را هدف‌گیری می‌کند، بخش خصوصی به گونه‌ای دیگر و با انگیزه کسب سود دست به فعالیت اقتصادی می‌زند و فعالیت‌های خود را در دو دوره زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر هرچه در محیط اجتماعی و سیاسی کشوری پیش‌درازمدت حاکم باشد نوع سرمایه‌گذاری و کارآفرینی‌های این بخش اهداف بلندمدت را با سودآوری طولانی تعقیب خواهد نمود.

بخش خصوصی و کارآفرینی‌های آن کاملاً حسابگرانه و با نگاهی بر مبنای منافع شکل

می‌گیرد، و با احساس کوچک‌ترین ناامنی منابع خود را در زمینه‌های کوتاه مدت و سودآور متمرکز می‌کند. تجارت و خدمات یکی از حوزه‌های مهم فعالیت این بخش است. بنابراین رویکرد به بخش خصوصی بر اساس اطمینان از سوی دولت به عنوان گزینه‌ای اصولی و منطقی در سرمایه‌گذاری تولیدی در بخش صنعت و اشتغال‌زایی قلمداد می‌شود.

#### ۴-۲-۳- جایگاه سرمایه‌گذاری

به درستی پیش شرط ضروری مقابله با بیکاری، گسترش سرمایه‌گذاری است. نقش بازار سرمایه در این میان از اهمیت بیشتری برخوردار است. بازار سرمایه جایگاه جذب منابع مالی در مصارف سرمایه‌گذاری است. در ایران معمولاً تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری برعهده کارفرمای دولتی یا خصوصی و یا نظام بانکی

بوده است، حال آن‌که دست‌کم تجربه جهانی نشان می‌دهد که بازار سرمایه می‌تواند ساز و کارهای مؤثر و قابل اتکایی برای جذب سرمایه ارائه کند، به ویژه اگر ژرف‌نگری بیشتری در ماهیت پدیده بیکاری در اقتصاد ایران داشته باشیم، به روشنی ابعاد ساختاری این پدیده را در می‌یابیم. بیکاری امروز ریشه در تنگناهایی دارد که بر اثر چیرگی اقتصاد دولتی وابسته به نفت پدید آمده است. در چنین حالتی مؤثرترین راهبرد بلندمدت برای ایجاد اشتغال تقویت نهاد کار آفرینی است. توسعه بازار سرمایه نیز از ملزومات گسترش این نهاد است. از همین رو

بازار سرمایه باید جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های درازمدت اشتغال داشته باشد. در چنین شرایطی اصلاح ساختار اقتصاد در راستای فعالیت‌های مولد و ایجاد انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری و تجهیز منابع اقتصادی امکان‌پذیر است. در این میان سرمایه‌گذاری خارجی نیز بی‌تأثیر نیست. بی‌تردید سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به حل معضل کمبود سرمایه در اقتصاد ایران کمک کند. برای رفع بسیاری از مشکلات مربوط به فناوری‌های تولید، ناکارآمدی‌ها و عدم تعادل بین بخشی، نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی هستیم، اما به رغم نقش کلیدی آن در اقتصاد با توجه به تجربه کشورهای آسیای جنوب شرقی، جذب سرمایه‌های خارجی باید با دقت انجام شود.

قابل ذکر است که سرمایه‌گذاری یکی از فاکتورهای بسیار اساسی و قابل اتکا در هرگونه راهبرد توسعه‌ای و اشتغال‌زایی محسوب می‌شود. مهم‌ترین شاخص و ضامن توسعه ملی نسبت سرمایه‌گذاری به تولید است که از رقم ۲۲ درصد در سال ۱۳۶۳ به رقم ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده است. رقم مذکور در سال ۱۳۵۵ که نقطه اوج درآمدهای نفتی بود به ۳۴ درصد رسید. روندهای کلان اقتصاد کشور نیز حاکی است که نرخ انباشت و تشکیل سرمایه کاهش یافته است. آمارهای موجود نشان می‌دهد که کل سرمایه‌گذاری در دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶ با

نرخ رشد متوسط ۱۵ درصد از ۲۶۴/۸ میلیارد ریال به ۲۲۳۱ میلیارد ریال (به قیمت ثابت سال ۶۱) رسید. در دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ متوسط سالانه نرخ رشد سرمایه‌گذاری کمتر از ۲ درصد بود. این رقم طی دوره مذکور از ۱۸۱۵/۸ میلیارد ریال به ۲۴۵/۷۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ رسیده است. لذا نرخ رشد تولید ناخالص داخلی برای دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶ حدود ۱۰ درصد و این نرخ رشد برای دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ حدود ۲/۳ درصد بوده است. از طرفی به منظور حفظ رشد بیکاری ۹/۱ درصد برای دهه آینده، سرمایه‌گذاری می‌بایست از رشدی معادل ۶/۵ درصد برخوردار باشد، حال آن که نرخ آن طی دو دهه اخیر حدود ۲/۳ درصد بوده و حتی طی سال ۱۳۷۶ معادل ۱/۵ درصد رشد منفی داشته است. با توجه به محدودیت منابع عمومی دولت، سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی شامل بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی می‌بایست لزوماً سالیانه رشد مستمری معادل ۹/۵ درصد داشته باشد. با توجه به این که سرمایه‌دار ملی به تنهایی قادر به تدارک این حجم سرمایه‌گذاری نمی‌باشد، لذا در این میان جایگاه دولت همراه با تشویق بخش خصوصی محوری خواهد بود.

#### ۴-۲-۴- فرصت‌های نهفته اشتغال

یک نظام اقتصادی باید در چارچوب مدل خاصی کار کند تا از کارکرد آن شغل ایجاد شود، اما فرصت‌های کسب و کار و اشتغال همواره

آشکار نیست، ممکن است فرصت‌های نهفته اشتغال نیز وجود داشته باشد و اگر این فرصت‌ها را پیدا کرده و فعال کنیم می‌تواند تعداد قابل توجهی از جوانان را به خود جلب و بخشی از مشکلات بیکاری را حداقل در کوتاه مدت حل کند. بنابراین در بحث اشتغال هدف تنها ایجاد یک تحول اساسی نیست، بلکه کشف زمینه‌هایی است که در آنها فرصت‌های نهفته اشتغال وجود دارد. از جمله موارد فوق می‌توان به تعیین تکلیف اشتغال غیر مجاز نیروی کار خارجی در کشور و ایجاد زمینه‌های خروج این نیروها و جایگزینی نیروی کار داخلی اشاره کرد. صنایع بسته‌بندی برای محصولاتی که به‌خارج از کشور صادر می‌شود، به دلیل نبود صنایع مناسب این بخش در کشور و همچنین عدم اطلاع از سلیقه مصرف‌کنندگان خارجی و محروم ماندن از ارزش افزوده ناشی از صادرات این محصولات، یکی دیگر از فرصت‌های نهفته اشتغال محسوب می‌شود. صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی در جوار مناطق روستایی تولیدکننده محصولات عمده کشاورزی با هدف صادرات یکی دیگر از موارد فوق است. همچنین می‌توان به صدور خدمات فنی و مهندسی به خارج از کشور اشاره کرد.

#### ۴-۳- فرجام

با توجه به دورنمای ارائه شده در خصوص

- شکاف میان نیروی کار بالقوه و بالفعل در کشور، و ارائه مدل های تجربی در خصوص مشارکت گروه های سنی مختلف، قبل از ارائه راهکار ذکر چند نکته ضروری است.
- ۱- مقایسه ارقام در تمامی گروه های سنی نشان می دهد که نرخ مشارکت بالقوه به مراتب بالاتر از نرخ مشارکت بالفعل بوده و وجود شکاف میان این دو مسئله بیکاری را تأیید می کند.
- ۲- گروه سنی ۶۴-۵۵ سال به جز سال های ۱۳۷۵-۱۳۷۰ از نرخ مشارکت بالقوه بالا برخوردار نبوده اند و در سال های اخیر به دلیل مشکلات اقتصادی فشار کاری بر روی افراد با سنین بالا افزایش یافته است.
- ۳- بررسی نشان می دهد که گروه سنی ۳۴-۲۰ سال از حداکثر ظرفیت خود بهره برداری نموده اند و سرمایه گذاری جهت افزایش مشارکت این گروه چندان مطلوب نخواهد بود.
- ۴- گروه سنی ۵۴-۳۵ سال در میان تمام گروه های سنی از حساسیت زیادی برخوردار است، مقایسه روند و سطح نرخ مشارکت بالفعل و بالقوه این گروه حاکی از آن است که شکاف عمیقی در این گروه سنی وجود دارد و سرمایه گذاری جهت این گروه سنی معنی دار می باشد. یکی از دلایل شکاف موجود، خارج شدن بخش اعظمی از زنان از چرخه جمعیت فعال به علت خانه داری و تربیت فرزندان است.
- راهکارهایی که جهت کاهش شکاف موجود میان نیروی کار بالقوه و بالفعل مفید به نظر می رسد عبارت است از:
- ۱- توسعه صنایع کوچک خانگی؛
- ۲- تکمیل طرح های زیربنایی بخش کشاورزی به منظور افزایش سطح زیرکشت و افزایش شاغلان این بخش به همراه بهره برداری بهینه از منابع موجود؛
- ۳- تجدیدنظر در سیاست تولیدات صنعتی و الگوی مصرف داخلی به گونه ای که محدودیت های صادرات را برای برخی از کالاها برطرف سازد؛
- ۴- ضرورت تحول در نگرش سیاستگذاران در راستای رفع موانع سیاسی و حقوقی توسعه اقتصادی و زمینه سازی برای مشارکت فعال مجموعه قوای کشور در جهت شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی؛
- ۵- تداوم سیاست تنش زدایی در روابط بین المللی و زمینه سازی جهت جذب در جامعه جهانی؛ روابط اقتصادی جهانی ما عمدتاً بر اساس مبادله نفت می باشد و از لحاظ بین المللی پیوندهای اقتصادی کشور ضعیف است؛
- ۶- تجدید نظر در سیاست های پولی، مالی و ارزی کشور؛
- ۷- تأکید بر ضرورت امنیت سرمایه گذاری داخلی و خارجی؛
- ۸- ایفای نقش دولت در جهت ترویج اطلاع رسانی در زمینه های بالقوه فعالیت های



- اشتغال‌زایی؛
- ۹- حفظ و افزایش سطح اشتغال واحدهای فعال تولیدی از طریق چاره‌جویی مشکلات تولید و بازار یابی این واحدها و بهره‌برداری از ظرفیت‌های بیکار آنها؛
- ۱۰- برقراری مناسبات لازم با کشورهای خارجی جهت خروج و صدور نیروی انسانی متخصص؛
- ۱۱- حمایت دولت از فعالیتهای تحقیق و توسعه و کنترل کیفیت محصولات واحدهای تولیدی کم‌بازده از طریق اعطای یارانه‌های خاص و بالا بردن کیفیت تولیدات این واحدها می‌تواند نقش مؤثری در اشتغال نیروهای بیکار از طریق افزایش تولید به منظور صادرات ایفا نماید.
- ۷- احمد اخوی، اقتصاد کلان کاربردی، مرکز پژوهش‌های بازرگانی،
- ۸- سازمان برنامه و بودجه، عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص در ایران، معاونت امور فرهنگی آموزشی و پژوهشی.
- ۹- سازمان برنامه و بودجه، مجله علمی - ترویجی، شماره ۲۷، تیر ۱۳۷۷.
- ۱۰- سازمان برنامه و بودجه، مدل‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی توسعه (مجموعه مقالات)
- ۱۱- سازمان برنامه و بودجه، اقتصاد بدون اتکا به نفت، پیوست شماره ۳ - دفتر اقتصاد کلان
- ۱۲- مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، مدل‌های کلان اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه، تألیف لانسن تیلور، ترجمه دکتر اسرافیل کسرایی.
- ۱۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی، الگوی اقتصادسنجی کلان ایران، جلد اول.
- ۱۴- برنامه‌ریزی نیروی انسانی - دکتر سیدرضا سید جوادین - سال ۱۳۷۳

## ب - لاتین

- 1- International Monetary Fund,  
Staff Papers, vol. 34, No. 2, June 1981.
- 2- International Monetary Fund,  
Staff Papers, vol. 29, No. 4, December  
1982.
- 3- International Monetary Fund,  
Staff Papers, vol. 37, No. 2, June 1990.
- 4- International Monetary Fund,  
Staff Papers, vol. 37, No. 4, December  
1990.
- 5- International Monetary Fund,  
Staff Papers, vol. 37, No. 3, September  
1990.

## منابع

### الف - فارسی

- ۱- سازمان برنامه و بودجه، مجله برنامه و بودجه، شماره‌های ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴
- ۲- سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور فرهنگی، آموزشی، عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص در ایران.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه، مجموعه برنامه و توسعه - اشتغال در جهان سوم، ترجمه احمد خزاعی
- ۴- مجله تدبیر، شماره ۹۶، مهر ۷۸
- ۵- سرشماری نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، سال‌های مختلف
- ۶- ترازنامه بانک مرکزی، سال‌های مختلف